



ارگان مرکزی حزب توده ایران

تک شماره ۱۵ ریال

# بازوی کار طبقه کارگر در خدمت اهداف انقلاب

گذران طبقه کارگر بیش از پیش دشوار است و این زحمتکش ترین و محرومترین طبقه، زیر فشار بیکاری، گرانی، کمی دستمزد پشت خم میکند. رژیم پیشین، بنا به خصیلت ضد کارگری خود، انبوهی از مشکلات در زمینه گرانی، بیکاری، دستمزد ناکافی، نبود مسکن و غیره از خود برجای گذاشت، که انقلاب، خواه ناخواه، وارث آنهاست و باید طی زمان به حل آن اقدام کند.

اعتصابات کارگری در دوران قبل از انقلاب، که نقش اساسی در شکست امپریالیسم و ارتجاع و سرنگونی رژیم خائن و جانی شاه مخلوع داشت، خود بطور طبیعی دشواریهای تازه ای را بر معضلات پیشین افزود، که حل منطقی آنها هم باید در برنامه کار دولت موقت باشد.

پیروزی انقلاب موجب شد که عده ای از سرمایه داران استثمارگر، ثروت های بادآورد خود را، که حاصل دسترنج زحمتکشان بود، بحسابهای بانکی خویش در اروپا و آمریکا انتقال دهند و خودتیز کارخانه ها و موسسات صنعتی را متوقف سازند و از ترس خشم مردم بیگریزند. در نتیجه میلیونها کارگر به خیابانها ریخته شدند و نرخ بیکاری به چند برابر افزایش یافت.

در دوران بعد از انقلاب، که دوران گذار و سپس سازندگی است، عده ای از کارفرمایان و سرمایه داران، که بنابر ماهیت طبقاتی خود، دل بازمی گذشته دارند، بانواع کارشکنیها دست زده با تعطیل و نیمه تعطیل ساختن کارخانه ها و اخراج فوج فوج از کارگران زحمتکش در واقع چوب لای چرخ انقلاب میگذارند.

وزینه را برای بهره برداری ضدانقلاب آماده میکنند. فعالیت گروههای تفرقه افکن و چپرو و چپ نما در میان کارگران و طرح شعارهایی بظاهر فریبا و انقلابی، این اوضاع ناپسند را ناپسندتر ساخته و موجب شده که بخشی از کارگران بدام این تبلیغات نادرست افتاده و برای اجبار دولت بقبول خواستهایی که در شرایط کنونی واقع بینانه نیست نیز از حریم اعتصاب و کم کاری استفاده کنند.

نباید فراموش کرد که در لحظه کنونی امپریالیسم، با استفاده از تمام امکانات دوزخی خود، در کمین انقلاب ماست، امپریالیسم حاضر نیست از منافع غارتگرانه و نامشروع خود در ایران، باین آسانی چشم پوشد. در شرایط کنونی، یکی از حربه های عمده امپریالیسم و عوامل داخلی آن، ایجاد و گسترش نارضایتی در میان مردم است، تا بتواند در لحظه مناسب نقشه های شیطانی خود را علیه انقلاب به صحنه آورد.

برای ایجاد نارضایتی در میان طبقات و قشرهای گوناگون مردم، ضد انقلاب، اقتصاد کشور ما را فلج می خواهد. اومی خواهد بامتوقف ساختن چرخ صنایع،

کشاورزی و تعطیل امور عمرانی و ساختمانی که موجب بیکاری، کمبود کالاهای صنعتی، کاهش مواد غذایی و فقدان مواد خام مورد نیاز صنایع میشود، این فلج اقتصادی را تحقق بخشد. در چنین اوضاع و احوالی، وظیفه هر مبارز میهن پرست، هر عنصر و سازمان آگاه و مترقی است که باتمام نیرو این نقشه دشمنان انقلاب را عقیم گذارد.

قبل از انقلاب، امپریالیسم و ارتجاع ادامه کار در رشته های مختلف اقتصاد و بویژه نفت را بسود خود میداندست و بدینجهت هر اعتصاب و کم کاری را باتمام قوا سرکوب میکرد. اما علیرغم خواست امپریالیسم و ارتجاع تمام طبقات و اقشار انقلابی و پیشاپیش آنها طبقه کارگر، و از جمله کارگران مبارز نفت، از حربه اعتصاب بمنابہ کاراترین سلاح استفاده کردند و بردشمن پیروز شدند. اکنون، در دوران پس از انقلاب، وضع بعکس است؛ یعنی دشمنان انقلاب در موضع تخریب و اخلال و نیروهای انقلابی در کار تثبیت و سازندگی هستند. از آنجا که ضد انقلاب خواهان اعتصاب و کم کاری و مختل ساختن اقتصاد کشور است، وظیفه نیروهای انقلابی و پیشاپیش آنها طبقه کارگر است که دشمن را ناکام کند و در راه بنیانگذاری یک اقتصاد مستقل و سالم، از همه توان و نیروی خود استفاده نماید.

حزب توده ایران، که صدیق ترین و پیگیرترین مدافع صنایع طبقه کارگر و همه زحمتکشان ایران است، نمیتواند تکراری خود را از ادامه اعتصابات، که به فتح اقتصاد کشور خواهد انجامید، پنهان دارد. تردید نیست که ما با همه نیروی خود از خواسته های منطقی کارگران پشتیبانی میکنیم و از دولت مصرا میخواهیم که به مطالبات مشروع، قانونی و برحق طبقه کارگر توجه عاجل مبذول دارد. دولت باید با بر آوردن خواسته های منطقی کارگران، با جلوگیری از خرابکاری کارفرمایان و سرمایه داران و عوامل ضد انقلاب، دربراه انداختن چرخ اقتصاد کشور مجدداً بگردد.

اما همچنانکه خواسته های منطقی کارگران مورد علاقه ماست، سر نوشت انقلاب ایران نیز در مرکز توجه و علاقه، قرار دارد. زیرا که بدون حفظ و تحکیم و گسترش بقیه در صفحه ۲

## از نظر نخست وزیر، امپریالیسم امریکا دشمن اصلی مردم ایران نیست پیرامون نطق شگفت انگیز نخست وزیر

خلق چندده میلیونی ایران یک زبان دشمن اصلی و واقعی خلق کشور و انقلاب ایران را، طی راه پیمائی های میلیونی در سراسر پهنه کشور، امپریالیسم امریکا میدانند و می نامند، و این نخست وزیر عقیده دارد: «آن کسی که قبلاً از ایران گذشته از ایران شاهنشاهی متمتع تر بود و بعداً بیش از همه متضرر شد، اسرائیل بود» و نتیجه میکرد که: «بنابر این بسیار طبیعی و منطقی است که در اواسط دشمنان ما و اخلالگران در کار ما اسرائیل باشد، این مسلم است.»

ولی مسلم اینست که اسرائیل چه نیستی فقط آلت فعل و یکی از جنگ های بقیه در صفحه ۲

نظری که آقای بازرگان، نخست وزیر دولت موقت، بمناسبت قیام پانزدهم خرداد، از رادیو تلویزیون ایراد داشت منطقی بود در واقع شگفت انگیز. اگر این نطق از جانب شخص غیر مسئولی ایراد شده بود، شاید بهتر میبود که آنرا بعنوان بیانات غیر مسئولی تلقی میکردیم و سخنی در باره آن نمی گفتیم. ولی بیانات نخست وزیر قاعداً سخنان مسئولی است و لذا از کنار این نطق نمیتوان گذشت. در این نطق دراز، که ظاهر آهنگش تشریح مبارزات مردم ایران در راه استقلال و آزادی، از دوران تحریم تیاگو تا امروز بوده، حتی یکبار هم کلمه امپریالیسم بکار نرفت. کلمه استعمار نیز از طرف نخست وزیر در مورد ایران، همچون عبارتی که متداول شده و صحیح نیست، بکار برده شد.

اگر از این دونگه جانب بگذریم و نیز نظریات خاص آقای بازرگان را نسبت به تاریخ مبارزات گذشته بکار گذاریم، به نظریات ایشان نسبت به انقلاب کنونی ایران میرسیم. این نظریات بنسبت عجیب و غریب است.

### رویدادهای ایران

- ۱- چه کسانی و برای دفاع از منافع چه طبقه ای خواهان انحلال کمیته ها هستند
  - ۲- خلع سلاح عمومی هنوز زود است.
  - ۳- حقایق مربوط به روابط اقتصادی ایران و شوروی از زبان پرآورد،
  - ۴- در آمل بازنویس خوانان مبارزه جانانه ای شروع شده
  - ۵- پاکسازی در دانشگاهها لازم است
  - ۶- ایران کارشناسی جنگ داخلی امریکا را بعنوان سفیر نمی پذیرد.
  - ۷- ایران به کشورهای غیر متعهد می پیوندد
  - ۸- سفیر ایران در شوروی در تهران است
  - ۹- مردم خواهان ریشه کن کردن استبداد در ایران هستند.
- متن در صفحه ۲

## نامه سرگشاده کمیته مرکزی حزب توده ایران و افکار عمومی

تولیزون، سخنی از آن میان نیاروردند، با این همه نامه سرگشاده، در همه محافل در مرکز بحث های سیاسی قرار گرفت و پیرامون نکات مختلف آن ابراز نظری های گوناگون شد. سراجت و روشنی و قاطعیت و محس مسئولیت در برابر سر نوشت انقلاب و مشخص بودن پیشنهادها برای برون رفت، از جمله خصایص بود که بیش از همه توسط مردم، از گروه های گوناگون، در مورد این نامه سرگشاده، خاطر نشان میشد. مردم اینک دیگر عادت کرده اند که در جراید و انتشارات حزب توده ایران، با یک برخورد جدی و عمیق، بر شاووده ای طبقاتی و علمی روبرو شوند و دید جامع و روشنی از اوضاع بیابند و پاسخ بسیاری از پرسشهای خود را پیدا کنند. با این حال چرا بازم توجه ویژه ای باین سند تازه حزب مبذول شد؟ زیرا که این سند مهم باردیگر تحلیلی همه جانبه از اوضاع کنونی کشور بقیه در صفحه ۲

قرار داد دو جانبه نظامی ایران و آمریکا باید بدون درنگ لغو شود



### «مردم» و مردم

بسیاری از دوستان و از جمله ب. الف

یادآوری کرده اند که نه فقط غلطی های جایی روزنامه زیاد است بلکه وقتی دنیا به مطلبی بصفحه دیگری رجوع داده میشود غالباً این «بقیه» را در صفحه میبوسه نمی توان یافت و اشتباه در جای دیگر چاپ شده است. دوستان عزیز! ایراد شما درباره اغلاط چاپخانه و دنیا به مطالب که با اشتباه ذکر میگردد متأسفانه درست است و دوستان ما در چاپخانه وعده میدهند که کمتر تکرار شود. ما نیز مانند شما امیدواریم که باین وعده وفا شود. البته کوشش فسران میکنند و دست تنگ هستند.

خواننده گرامی کاوه ایراد شما را درباره عبارت «اگر برای من نیست برای احدی مباد» که در یکی از مقالات «مردم» آمده، خواندید. این «احد» یعنی هیچ کس و جمله مزبور تمهید خاصی نمی تواند داشته باشد و مصلح است و از زبان دشمن آمده است. موقفیت شما خواستاریم.

بقیه از صفحه ۱

### از نظر نخست وزیر

**امیر یالیسم** امریکاست، و اگر کسی دشمن اصلی را اسرائیل معرفی کند، سهواً یا عمداً میخواهد دشمن اصلی و واقعی خلق را انقلاب ایران را از انظار مردم دور کند. این مقصود آشکارتر میشود، وقتی نخست وزیر ادعا میکند که در «نتیجه تبلیغ خبرنگاران» از مظلومیت و حقانیت انقلاب ایران، «اول در اروپا و بعد هم در آمریکا روی همین نفوذ و انقلاب که در افکار خارج به وجود آمد سیاست رسمی و دولتی هم پیش از آنکه امام خمینی بایران برگردند، این انقلاب ما را به حقانیت و برسمیت شناخت، یعنی آنها تسلیم این مسئله شدند و دست از حمایت شاه برداشتند و به تحسین و تأیید انقلاب پیروزمند ما و بعد دولت موقت انقلاب اسلامی پرداختند» بدینسان از نظر نخست وزیر، اولاً انقلاب ما قبل از آنکه امام خمینی بایران برگردند، پیروز شده بود. ثانیاً در زمان موقیع اروپا و آمریکا نیز آنرا برسمیت شناخته و حتی مورد تحسین و تأیید قرار داده بودند؛ لذا از این دو مقدمه میتوان نتیجه گرفت، اول اینکه اگر قیام ۲۲ و ۲۱ بهمن رخ نداد، بود، انقلاب ما پیروز شده بود. دوم اینکه چون حتی در آنگهنگام اروپا و آمریکا آن انقلاب را (قبل از ۲۱ و ۲۲ بهمن) برسمیت شناخته و مردم تحسین (۱) هم قرار داده بودند، پس اکنون با خیال راحت میتوان رفت و خوابید، چرا که نه امیر یالیسم اروپای غربی و نه امیر یالیسم آمریکا، کاری جز تحسین و تأیید نسبت به انقلاب ایران ندارند!

از این هم بالاتر، نخست وزیر عقیده دارد که امیر یالیسم آمریکا از انقلاب ایران نه فقط سر نندیده، بلکه نفع هم برده است! چرا؟ «برای اینکه وقتی دولت جمهوری اسلامی هر قدر مستقر تر، قوی تر، مسلط تر و مستقل تر باشد، صلح در منطقه و بنا بر این در دنیا و امنیت خود آنها... بهتر حفظ میشود و بجای روابط استعماری و تحمیلی گذشته روابط عادلانه و وقتی بدین بیان، آنها هم باز با مال بفق آنها است.» پس بنا به عقیده نخست وزیر، اولاً امیر یالیسم آمریکا طالب صلح در منطقه و در دنیا است. ثانیاً خواستار روابط عادلانه و عادلانه بجای روابط استعماری و تحمیلی گذشته شده است. خلاصه گریه هاید شده و خاطر خلق و انقلاب ایران و همچنین مردم جهان میتواند آموده باشد! چنین است شهادت از منضمون نطق بسیار حضرت بخش نخست وزیر دولت موقت.

## رویدادهای ایران

### ● چه کسانی و برای دفاع از منافع چه طبقه ای خواهان انحلال کمیته ها هستند.

همزمان با اظهاراتی که از سوی مقامات دولتی و خود رئیس دولت درباره کمیته ها و پاسداران انقلاب می شود، روز ۱۴ خرداد، در روزنامه اطلاعات، آگهی بلند بالائی از سوی مدیر عامل شرکت لایم ورثس هیات مدیره کارخانجات صنعتی ورزیده کار، با ۶۰۰ کارگر، چاپ شده که از نظر قابل توجه است. این آگهی خود بیاتر این پرسش است که چه کسانی و برای دفاع از منافع کدام طبقه خواهان برچیده شدن بساط کمیته ها و پاسداران و شکل گیری شتابزده ارتش هستند.

ایشان در آگهی خود، ضمن اعلام اینکه گویا در گذشته عضو فدائیان اسلام بوده و سمت شاگردی دکتر علی شریعتی را نیز داشته اند، از امام خمینی میخواهند که دستور سریع و فوری برای انحلال هر چه زودتر کمیته ها را در سراسر کشور بدهند، البته تحت نظر دولت! ایشان همچنین پیشنهاد کرده اند که از کلیه افراد غیر مسئول، اعم از روحانی و عادی در امور اجرایی و قضائی (که لابد منظور دادگاههای انقلاب است) خلع ید شود و اختیارات کامل و صددرصد به دولت داده شود و از آن حمایت مستمر گردد.

آیا نیازی می بینید به تفسیر اینکه، چه کسانی و از دیدگاه کدام طبقه اجتماع خواهان انحلال کمیته ها و... هستند؛ و کدام قشر و طبقه خواهان تحکیم قدرت دولت اند؟

### ● خلع سلاح عمومی هنوز زود است

سرپرست استانداری فارس، در یک مصاحبه که پس از بازدید از مناطق جنوب شهر شیراز ایراد شد، گفت: «شخصاً معتمد که فلاح خلع سلاح عمومی زود است و در انقلاب مشروطیت پس از خلع سلاح بود که رضاخان زمام امور را بدست گرفت و مملکت را به این روز انداخت. ما نمیتوانیم افراد میجاهد را خلع سلاح کنیم، زیرا اینها اگر امام پیشنهاد کنند، بلافاصله اسلحه های خود را تحویل خواهند داد.»

آقای احمد مدرس زاده، سرپرست استانداری فارس، همچنین گفت: «به افراد پس از بررسی پروانه اسلحه داده میشود و چنانچه از این پروانهها در خلاف جهت انقلاب استفاده شود، آنها را توقیف خواهیم کرد و همچنین با ورود اسلحه نیز شدیداً مبارزه خواهد شد.» وی ضمن قید ردانی از کار کمیته ها گفت: «البته کمیته های انقلاب به همین شکل باقی نخواهند ماند و بفرمان امام در سراسر کشور کمیته ها تصفیه و پاکسازی خواهند شد و بر غافه کار آنها زیر نظر قوه مجریه در خواهد آمد.» وی در مورد جمع آوری سلاح های غیر مجاز و مبارزه با مواد مخدر و گرانروی که قبلاً توسط ستاد انتظامی نیروی هوایی در شهر از انجام میشد، گفت: «پس از بررسی های لازم، احتمالاً این امور مجدداً به ستاد نیروی هوایی ارجاع خواهد شد.»

### ● حقایق مربوط به روابط اقتصادی ایران و شوروی از زبان پروادا.

روزنامه پروادا در مقاله ای به مفاسد جوئی های غرب برای دگرگون جلوه دادن روابط اقتصادی ایران و شوروی پاسخ داد و درباره صدور گاز ایران به آن کشور دلائلی ارائه کرد، که برای تمام آنهایی که با منطق و استدلال سروکار دارند و از حسن نیت برخوردارند، قانع کننده است.

روزنامه پروادا، ارگان حزب کمونیست اتحاد شوروی، در برابر اتهامات روزنامه های غرب که گویا شوروی با دریافت گاز، ثروت های ایران را غارت میکند، نوشت که لوله گاز ایران، که با کمک اتحاد شوروی ساخته شده، گاز را تنها به شوروی انتقال نمیدهد، بلکه از این لوله برای تأمین نیازمندی های داخلی ایران نیز استفاده میشود. پروادا نوشت که این لوله که در سال ۱۹۶۵، بدرخواست ایران احداث شده، به ایران امکان میدهد که در عوض صدور گاز، سازوبرگ و ماشین آلات صنعتی، که برای اقتصاد ایران ضروری است، از شوروی دریافت کند. درباره مبادلات کلی ایران و شوروی، پروادا نوشت که اتحاد شوروی، برخلاف کشورهای سرمایه داری، در جستجوی منافع کلان در ایران نیست و یکی از دلائل این مشی، باقی ماندن کارشناسان شوروی در جریان انقلاب ایران در این کشور است. و این در شرایطی بود که کارشناسان دیگر کشورها، ایران را ترک کردند تا چرخهای اقتصاد ایران، پس از پیروزی انقلاب نیز از حرکت بازماند. پروادا در پایان نوشت که اتحاد شوروی در همین حال که از انقلاب ایران پشتیبانی میکند، میخواهد روابط همه جانبه خود را با همه جانبه جویی اش بیش از پیش استوار سازد.

### ● در آمل با نژول و نژولان مبارزه جادانه ای شروع شده.

کار مبارزه با نژول و نژولان در تمدادی از شهرها سخت بالا گرفته است و این در شرایطی است که در بسیاری از شهرها این مبارزه بحق، بعد یا غیر عمد، به فراموشی سپرده شده است گلوی هزاران محتاج و زحمتکش، که برای گذران زندگی مجبور به گرفتن پول از نژول و نژولان شده اند، همچنان در دست این نژول خواران است. همزمان با دستگیری تمدادی از نژول و نژولان مفت خوار تهران در مرحله های مختلف، از آمل نیز خبر میرسد که در همین اعلامیه طرفداران نهضت اسلامی ولی اگر کسی حتی یک لحظه به این گفته های نخست وزیر یاد کند، آنگاه در برابر سوات پر شماری قرار خواهد گرفت که در پاسخ بدانها عاجز میمانند. از جمله «مثلاً چرا سنای آمریکا با توافق آراء به وجود و جریان دادگاههای انقلابی در ایران اعتراض میکند؟ چرا دولت آمریکا اسرار دارد که شخصی مانند کانلر سفیر سابق آمریکا در ژنیر سو کوب کند؟ جنبش شایا را بعنوان سفیر بایران بفرستد؟ چرا دولت آمریکا با تمام قدرت میکوشد قراردادهای نابرابر و تحمیلی با ایران، از جمله و بخصوص قرارداد اسارت بخش نظامی در جانبه را حفظ کند؟ چرا دولت آمریکا ناوگان خود را در آبهای غرب اقیانوس هند و خلیج فارس تقویت میکند؟ بچه دلیل سران دولت آمریکا در کنار ایجاد نیروی ضربتی نظامی برای گسیل به منطقه خلیج فارس اند؟ این بازمانده های فعال

آمل، نام پنجاه و یک تن از نژول و نژولان این شهر اعلام شده است که در بین آنان نام عده ای از سرشناسان آمل، از تجار، مالکین و کارمندان شهر بچشم میخورد. در این اعلامیه، آمل یکی از مراکز نژول و نژولان مازندران معرفی شده و از تمام مردم شهر خواسته شده است که از پرداخت بدهی خود به نژول و نژولان خود داری کنند.

### ● پاکسازی در دانشگاهها لازم است

شورای انقلابی تزکیه دانشگاه تهران، پس از بررسی مدارک موجود و پرونده های مربوطه، ادامه کار ۳۸ نفر از نظامیان بازنشسته را، که تصدی انتظامات قسمتهای مختلف دانشگاه را در رژیم پیشین بر عهده داشتند، معاینه با اصول و مقررات آموزشی دانست و آنان را برای همیشه از دانشگاه تهران اخراج کرد. رژیم مخلوع شاه در گذشته، با استفاده از این نوع افسران بازنشسته، درون دانشگاههای کشور یک شبکه کنترل و جاسوسی بوجود آورده بود که اداره آنها بهنده ساواک بود. در دانشگاهها با برچیده شدن بساط ساواک و پیروزی انقلاب و تضمین آزادیها حضور این افراد، هم زیان بخش و هم خطرناک است. امید است که سایر دانشگاهها به دانشگاه تهران تاسی جویند و وساحت مقدس دانشگاه را از وجود ساواک پاک سازند.

### ● ایران کارشناس جنگ داخلی امریکار بعنوان سفیر نمی پذیرد

آقای دکتر ابراهیم یزدی، وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، بدرستی اعلام داشت که سفیر جدید امریکادرایران نمیتواند بعنوان نماینده بهبود روابط ایران با امریکا بپذیرد. واقعیت اینست که دولت امریکا در شرایطی آقاسی کانلر را بعنوان سفیر آن کشور در ایران انتخاب کرده است که سنای امریکا بوضوح نشان داد که سیاست کلی امریکا درباره انقلاب نازده پیر و زایران چیست و به رویدادهای فعلی ایران چگونه می ننگرد.

بی شک انتخاب آقای کانلر بعنوان سفیر امریکا در ایران را باید در رابطه با همین سیاست کلی و کینه و دشمنی رژیم موجود امریکا در برابر انقلاب ایران و نقشه هایی که برای سرکوب آن در سر دارد، بررسی کرد.

ما تا کنون چند بار اعلام داشته ایم که آقای کانلر سفیر امریکا در ژنیر، یکی از کارشناسان ایجاد زمینه لازم برای جنگ داخلی و حتی دخالت ارتش مزدوران برای سرکوب انقلابهاست. او برای استفاده از همین تجربه، که در ژنیر پیروز شد و انقلاب این کشور را با هزاران کشته سرکوب نمود و برای اینکه حتی از ارتش مزدوران جهانی استفاده کرد، بعنوان سفیر امریکا در ایران انتخاب شده است، و مخالفت وزیر امور خارجه با ورود او به ایران و نگرانی اش درباره وی به حق و به جا است.

### ● ایران به کشورهای غیر متعهد میبویند

بنابر گزارش خبرگزاریها، آقای ارنست کورا، سخنگوی جلسه دفتر هم آهنگی جنبش کشورهای غیر متعهد، اعلام داشته است که ایران رسماً درخواست عضویت خود را برای پیوستن به کشورهای غیر متعهد تسلیم این دفتر کرده است. آقای کورا گفت: «آقای ابراهیم یزدی وزیر امور خارجه ایران درخواست رسمی عضویت را بعنوان دولت سری لائنا، رئیس کنفرانس جنبش غیر متعهدها، ارسال داشته است. قرار است درخواست ایران در این زمینه در دفتر هم آهنگی مورد بررسی و مطالعه قرار گیرد و سپس برای رسیدگی نهائی به کنفرانس سران غیر متعهد، که در هاوانا تشکیل خواهد شد، تسلیم گردد.»

ایران برای پیوستن به کشورهای غیر متعهد میبایست تمام قراردادهای نظامی خود را که در رأس آن قرارداد جانیه ایران و امریکا قرار دارد لغو کند و این درخواستی است که بارها از سوی تمام نیروهای مترقی بیان شده و بارها بارها مردم ایران در تظاهرات میلیونی خویش خواستار آن شده اند. قطع تمام ریشه های امپریالیسم از ایران و بریدن از تمام وابستگیها به کشورهای امپریالیستی، شرط نخست پیوستن ایران به کشورهای غیر متعهد است.

### ● سفیر ایران در شوروی در تهران است

آقای پرفسور محمد مکرری، سفیر جمهوری اسلامی ایران در اتحاد جماهیر شوروی، برای تبادل نظر با رهبران انقلاب ایران از مسکو به ایران بازگشت. سفیر ایران در شوروی بعد از بازگشت موقت از اتحاد شوروی، اعلام داشت که روابط ایران و شوروی در حال حاضر عالی است.

### ● مردم خواهان ریشه کن شدن اعتیاد در ایران هستند

یکی از قاچاقچیان معروف همدان بنام منوچهر روشناس ترور شد. این ترور را گروهی بنام گروه توحیدی الفتح بعهده گرفته و اعلام داشته است که هدف از تشکیل این گروه مبارزه با مفسدین، بخصوص قاچاقچیان است. این ترور، یک هشدار است. مردم واقفا خواهان مبارزه جدی با هر گونه قاچاق مخدر و استعمال و مصرف آن هستند، زیرا بخوبی میدانند که مواد مخدر یکی از راه آوردهای استعمار است و در آن نیروی عظیم رادر ایران به بی تفاوتی خواهد کشانند و این آن چهیزی نیست که شرایط انقلابی ایران تاب تحمل آنرا داشته باشد. دولت رهبری انقلاب، قبل از آنکه مردم خود را اساقدم به مبارزه با قاچاقچیان و فرورندگان و مصرف کنندگان مواد مخدر بکنند، و یا اینکه چنین روشی باز هم مورد سوء استفاده ضد انقلاب قرار گیرد، میبایست برنامه خود را برای مبارزه با این بالای خانمان روز اعلام دارند و از نیروی انقلابی مردم برای مبارزه با مواد مخدر استفاده نمایند.

بقیه از صفحه ۱

### بازوی طبقه کارگر

انقلاب، از جمله انجام واقعی خواسته های صنفی کارگران نیز ممکن نیست. تشخیص عمده از غیر عمده در اینجا هم صدق میکند. لذا میباید در این مبارزه برای تحقق خواسته های بحق و منطقی در بحرکت سر آوردن چرخ اقتصاد کشور نیز با تمام

خواست و دست غول امپریالیسم امریکار، که از آستین محمد رشای خائن بیرون آمده بود، شکست، خلقتی که واقع بین است، هشیار است، بیدار است، دشمن اصلی خود را میشناسد، سردرگم نمیشود و تا ریشه نفوذ این دشمن اصلی امپریالیسم امریکار از وطن عزیز خود ایران برنگند، آسوده نخواهد نشست.

قوا کوشید و توطئه دشمنان انقلاب را از راست و چپ و در این بهترین وسیله برای پیشرفت انقلاب، مساعدترین زمینه برای دسیسه های ضد انقلاب، افشا و خنثی کرد.

طبقه کارگر که بازماندگی، باهشکاری انقلابی، با تحمل محرومیت با فداکاری و قربانی، قاطع ترین نقش را در پیروزی نخستین مرحله انقلاب ایفا کرد، اکنون نیز باید با فداکاری و نشان دادن حد اعلامی هشیار انقلابی، مشت بر دهان دشمنان انقلاب بکوبد و نیروی خود را برای بحرکت در آوردن چرخ اقتصاد کشور، برای جلوگیری از خرابکاری و فلج اقتصادی بکار اندازد. فقط در اینصورت است که هم میتوان بحقوق صنفی رسید و هم گامی بزرگ و اساسی در راه حفظ و تحکیم و گسترش انقلاب برداشت.

ساراک را چه کسی حفظ میکند و متشکل میسازد؟ چه کسی در توطئه های رنگارنگی که در کردستان، خوزستان، ترکمن صحرا و بلوچستان بروز میکند، دست دارد؟ آیا گسیل عمال سیا بایران، که در شکل ضد انقلاب تخصص دارند، برای تحسین و تأیید انقلاب ایران است؟ ترورهای شخصیتهای سیاسی چرا و بدست کی انجام میگردد؟ و دهها سؤال دیگر... بنظر میرسد که آقای نخست وزیر بهتر است به این واقعیات توجه کند، زیرا این واقعیات سرسختند، پرده درند، افشاگرند و نیز بهتر است به گفته ها و رهنمودهای امام خمینی توجه کند که دشمن اصلی مردم ایران را امریکا میدانند و دست تبهکار آنرا در سازماندهی ضد انقلاب در ایران بارها بارها نشان داده اند و سرانجام بهتر است به ندای مردم و پیخواست مردم ایران گوش فرادهند، خلقتی که چون تن واحد با



# اخبار کارگری

## تقصیر رفتگران شهرداری

تقصیر رفتگران و خسروی  
رفتگران شهرداری قصرشیرین و خسروی، که مجموعاً در حدود ۱۲۰ نفر برای هفتصد و پنجاه تومان در ماه، که به آنها پرداخت نشده، سه هفته پیش دست به اعتصاب زده بودند. به آنها جواب داده شد که امام خمینی دستور داده پول آنها را ندهند. رفتگران زحمتکش به دفتر امام در قم مراجعه کردند؛ دفتر امام خمینی ضمن تکذیب این خبر، دستور داد که حقوق آنان تمام و کمال پرداخت شود. ولی از آن روز تا بحال هیچ ترتیب امری داده نشده. و در نتیجه رفتگران جلوی کمیته قصرشیرین تظاهرات کردند و هم اکنون در دادگستری تحصن اختیار کرده اند و تا انجام خواست خود به تحصن ادامه خواهند داد. لازم بیادآوری است که از مجموع ۱۲۰ رفتگر، ۸۰ نفر رسمی و بقیه غیر رسمی هستند.

## \* پیروزی کامیونداران رشت

اعتصاب کامیونداران رشت، که از دوشنبه مورخه ۷ خرداد ۵۸ آغاز شده بود، عصر روز ۱۱ خرداد، با بدست آوردن خواسته های زیرین پایان رسید، ۱- گاراژها بطور موقت در هم ادغام میشود.

۲- حق کمیسیون گاراژدارها از ۲۰٪ به ۷٪ تقلیل یافت.

۳- خرج چیدن بار در کامیون به عهده صاحب بار و خرج دلالی به عهده گاراژدار است. (قبلاً به عهده کامیوندار بود)

۴- مقررات سندیکا در مورد کامیون های صاحبان گاراژها (که در گذشته خارج از نوبت بارگیری می کردند) بطور کامل اجرا خواهد شد.

۵- بارگیری بدون مهر سندیکا مقدور نیست. متخلف به ۱۵ روز جریمه مجازات میشود.

۶- رئیس سندیکای سابق راکارگران معزول کردند و سندیکای جدیدی بطور موقت تشکیل داده اند. این سندیکا دارای ۴ نماینده و یک رئیس است، که از بین خود کامیوندارها انتخاب شده است.

۷- چنانچه گاراژدارها نخواهند به تعهداتی که داده اند عمل کنند، گاراژها بسته و به ترمیال تبدیل خواهد شد.

## کارگران نوشابه سازی اضافه دستمزد میخواهند

در کارخانه نوشابه سازی کا نادارای، که در آن نوشابه های سون-آپ، سودا و کواکولا نیز تولید میشود، در حدود ۲۰۰۰ نفر کارگر مشغول کارند، که از نظر شغلی و مزایای آن در وضع مناسبی بسر نمی برند. در این کارخانه کارگران در دوشیفت ۱۲ ساعته کار می کنند. قانون کار، هشت ساعت کار را در روز مجاز دانسته است، لیکن بدلیل پائین بودن سطح دستمزد، کارگران مجبورند که روزانه ۴ ساعت اضافه کار کنند تا پولی برای معیشت خود و خانواده شان بدست آورند و کارفرما که بایده سه شیفته ۸ ساعته کارگر استخدام نماید، با این کار از دوشیفت کارگر برای تولید ۲۴ ساعته کارخانه استفاده میکند. درآمد روزانه این کارخانه بهمن یک میلیارد و هشتصد هزار تا ۲ میلیون تومان است و از مقایسه این درآمد و شرایط کار، به درجه استعمار می توان پی برد.

پس از انقلاب، کارگران توانستند کارگران خارجی را مجدداً بکار ببرند. گردانند، نمایندگان فرمایشی خود را اخراج و نمایندگان واقعی خود را انتخاب کنند. چند تن از صاحبان کارخانه نیز به خارج از کشور فرستادند. در این حال لازم بیادآوری است که ۱۷ نفر نماینده انتخاب شده از بخشهای تولید و بخش کارخانه، متأسفانه تاکنون نتوانسته اند با یکدیگر به توافق برسند و یک سخنگو بین خود تعیین نمایند.

اضافه حقوق کارگران از سرور دین ماه هر سال تعیین میشود، ولی در سال جاری کارفرما، با استناد به اینکه هنوز تکلیف قانون کار مشخص نیست و قانون اساسی هنوز تصویب نشده، از اضافه کردن دستمزد کارگران خودداری کرده است. نمایندگان کارگران، در هفته گذشته، پس از مذاکره با نماینده کارفرما و در میان گذاردن مسئله اضافه دستمزد و میزان آن، که از طرف کارگران مشخص شده بود، با فحاشی و استنکاف نماینده کارفرما رو برو شدند.

هنگامیکه نمایندگان جریان امر را با کارگران کارخانه در میان گذاردند، کارگران، که عصبانی و ناراحت شده بودند، کارخانه را تعطیل و در محوطه اجتماع کردند و به نماینده کارفرما از اعتراض نمودند. با دستگیری نماینده کارفرما از طرف پاسداران کمرته محل، این حادثه فعلاً خاتمه پذیرفته است.

کارگران شرط کرده اند که اضافه حقوق درخواستی آنان باید بطرف هفته آینده تمهین و پرداخت گردد، در غیر این صورت عکس العمل نشان خواهند داد.

# بورژوازی لیبرال مواضع خود را آشکار میکند

اینصورت، چون نظارت دائمی سازمانهای اجتماعی بر کار رهبری کشور و عملیات متقنی شده، استبداد بوجود می آید.

ما از بورژوازی لیبرال می پرسیم: آیا این دولت موقت بود که دستور تشکیل شوراهای را اعلام کرد، آیا این دولت موقت بود که در پیام های متعدد کشور را از آن مستضعفین دانست یا امام؟ ماز بورژوازی لیبرال می پرسیم: آیا آنچه را که شما این همه ظاهراً از آن هراس دارید، و آن را «استبداد» می نامید، زحمتکشان جامعه نیستند که امام دینی استوار کردن حکومت آنها را بر جامعه است؟ ماز بورژوازی لیبرال می پرسیم: مگر این دولتی که این همه از آن دفاع می کنید نبود که کارگران را «اخلالگر» خواند و شرکت کارگران، کارمندان و سربازان را از طریق شوراهای در اداره امورشان، غیرممکن دانست؟ برای ما پاسخ این سئوالها روشن است: دموکراسی زحمتکشان، معنایش برای شما استبداد است!

حمله گروههای متعصب در ادامه نامه، حمله گروه های متعصب و برخی از مردم ناآگاه را به صاحبان عقاید دیگر، ناشی از اشاره امام دانسته اند و نوشته اند: «یک اشاره شما کافی است که بیدرنک موجی از تهاجم پراه افندو شما آیا در این زمینه احساس مسئولیت نمی کنید؟» و اضافه کردند:

«اگر آزادی وجود دارد، چرا متعاقب سخنان شما، قبل از هر گونه رسیدگی و حکم قانونی، برخی از مردم ناآگاه، که از وجود عناصر وابسته در درون آنها خبر نیستیم، هجوم های سازمان یافته را به اجتماعات سیاسی آغاز می کنند؟»

و درست در همین جا، در عین اینکه تمامی آنچه را که بورژوازی لیبرال از مدتی پیش بعنوان وجود اختناق و فاشیسم پاپوق کرنا تبلیغ کرده، اکنون مستقیماً به امام نسبت داده میشود، دومین خط نامه هم به روشنی تمام عیان میگردد و آن چیزی نیست جز دفاع از امپریالیسم.

در تمام نامه حتی یک بار هم اشاره نمی شود که امپریالیسم با تمام نیرو در کار توطئه و خرابکاری است و سه سیم عمده گروه هایی که به اجتماعات و روزنامه ها حمله می کنند و یا به شکل های گوناگون دست به خرابکاری میزنند، از رهگذر همین فعالیت امپریالیسم تامین میشود. بورژوازی لیبرال گوشه های از واقعیت را، که حضور افراد متعصب و پان آگاه و غالباً مشکوک (و این آخری را البته نمیگوید) در حمله به اجتماعات، کتابفروشی ها و... باشد، پنهان می کند، اما امام را جانشین امپریالیسم می کند تا باین ترتیب هم امپریالیسم خونخوار در سایه گذاشته شود و هم رهبری امام تضعیف گردد.

## دولت یا امام؟

در برخی های دیگری از نامه، بورژوازی لیبرال از امام می پرسد، چرا دولت با سکوت به این مقدمه کشتارهای آتی (حمله به اجتماعات) نظاره می کند؟ چرا دادگستری از صدور احکام قضائی زنان حقوقدان خودداری می کند؟ چرا اشاعه هنرها از اهمیت لازم بسر خوددار نیست؟ و اضافه می کند که گروه های بسیج شده ای از مردم در برابر چشمه های نگران، ولی عملایی تفاوت دولت با حمله به روزنامه ها در واقع سانسور می کنند. و در جای دیگری می نویسد، «با آنکه پیش از ۳ ماه از مدت مأموریت دولت موقت میگذرد، هنوز اقدامی برای استفاده از مشارکت همه گروهها و اقشار مردم در تدوین قانون اساسی بعمل نیامده است.

دولت که خود مأمور و مسئول این مهم است عملاً دست و پای خود را چنان بسته می بیند که جرئت کمترین اقدامی در جلب مشارکت مردم را ندارد، و البته بگمان بورژوازی لیبرال علت همه اینها اینست که، «نه تنها از مقام رهبری رهنمودی

بورژوازی لیبرال، که تمام نیروهای خود را برای متوقف کردن انقلاب پیکار گرفته است، در نامه سرگشاده ای که در آن آشکارانه تهنات رهبری امام خمینی مورد حمله قرار گرفته، بلکه موضع گیریها و فتوایهای رهبر انقلاب عامل سقوط پیمانان امپریالیسم شمرده شده است، مواضع خود را اعلام کرد.

در این نامه سرگشاده (که بنام جبهه دمکراتیک ملی ایران انتشار یافته) دوخط عمده بروشنی دیده میشود: خط اول که بورژوازی لیبرال با تمام نیرو آن را پیگیری می کند، تضعیف موضع رهبری امام خمینی است. نویسنده گان نامه بروشنی همه مشکلات مملکت و تمامی ضعف های دولت را ناشی از امام خمینی دانسته اند و باین نتیجه رسیده اند که: «رهبری امام اکنون همانگونه نیست که پیش از پیروزی انقلاب بود.»

در نامه اعتراف شده که نویسندگان نامه (بخوان بورژوازی لیبرال) بعد از آنکه به مبارزات روحانیت در نبرد مردم بارتجاج و امپریالیسم پاتریدید نگاه می کرده اند، سرانجام باین نتیجه رسیده اند که امام مبارزی راستین، ضد استبداد و ضد امپریالیست است و مرجعیت امام مرجعیت یک رهبر سیاسی آگاه است که مافوق گرایشهای فرقه ای، مافوق جنک و جدالهای دسته ها و گروهها، به منافع همگان می اندیشد و راز پیروزی در مرحله اول انقلاب هم همین بوده است.

اما، بزعم نگارندگان این نامه، پمداز پیروزی انقلاب، رهبری امام همانگونه که پیش از پیروزی انقلاب بوده، نیست. دلایلی که برای اثبات این مدعا آمده، در واقع چیزی به غیر از اعتراضی به نقش امام خمینی نیست. در نامه در عین اینکه از دولت دفاع شده به صراحت تمام از امام خواسته شده است که در امور مملکت دخالت نکند، و اعلام شده که دخالت امام به معنای سلطه استبداد بر کشور است.

در نامه آمده است: «دخالت شما، و روحانیت در امور مملکت داری و دستور- های صریحی که صادر میفرمایید، آنچه ان ابعاد وسیعی گرفته است که در این راه حتی کمترین ملاحظاتی هم رعایت نمی شود.»

آنگاه، از قطع رابطه ایران با مصر، که به مذاق بورژوازی لیبرال خوش نیامده، شدت انتقاد شده، آنهم فقط باین خاطر که خود امام صریحاً دستور آنرا به وزیر خارجه داده است! گویا بورژوازی لیبرال ایران سکوت و تردیدهای دولت را در قطع رابطه با رژیم سادات خائن از یاد برده و فراموش کرده است که اگر دستور انقلابی امام نبود، دولت خودش به این فکر نمی افتاد.

در ادامه نامه اشاره شده که همه مسائل کشور، از آب و نان تا سیاست خارجی، تابع فتوای امام است و در نتیجه کار دستگاههای مملکت در پیروی از موارد فلج شده است. اما واقعیت چیست و چه سیاستی کارهای کشور را فلج کرده است؟

اگر بورژوازی لیبرال، بخاطر منافع طبقاتی خود، روند ضد امپریالیستی امام را سبب فلج کار دستگاههای مملکت می داند، زحمتکشان کشور و آنان که در پی قطع ریشه های امپریالیسم هستند، به روشنی میدانند که این سیاست های دولت موقت است که به قصد جلوگیری از عمیق شدن انقلاب، کار مملکت را به فلج کشانده، نه رهبری امام، که ارگانه های تحت رهبری او، در کاپی گیری انقلاب به نفع زحمتکشان هستند.

در ادامه نامه آمده است: «ما از رهبرینی اگر کار ملک و ملت را در دست بگیرد، مجبور است به استناد مرجعیت دینی و الهی اش عمل کند، چنانکه شما عمل می کنید.» و نتیجه گرفته شده است که در

صریح و آشکارا بر سر قطع تجاوزها به دولت نمی رسد....

ما باز هم از بورژوازی لیبرال می پرسیم شما که صریحاً، در خطوط بالا در واقعیات مشخص، اعلام کرده اید که دولت مسئول نابسامانیهاست، ممکن است بگوئید چرا اینقدر از دولت دفاع می کنید؟ چرا خواستار قدرت گرفتار دولت هستید؟ چرا بسیاری از نامه های که گناه همه کم کاریها و نداشتن کارهای دولت را ناشی از امام بدانید؟

از قرار، خود دولت بایستی تفاوت گذاشتن از مقابل حمله ضد انقلاب به اجتماعات، کتابفروشی ها و... که بگمان در میان آنها از افراد متعصب ناآگاه هم وجود دارند، به بورژوازی لیبرال امکان استفاده تبلیغاتی میدهد تا باین ترتیب بتواند خودش از فضای بوجود آمده، بموقع استفاده کند؛ و بورژوازی لیبرال هم اکنون در کار نهایت استفاده تبلیغاتی از این روش دولت است.

## آزادیهای لیبرالیستی

بورژوازی لیبرال در آغاز نامه به صراحت خواست خود را از انقلاب اعلام داشته و نوشته است: «امیدوار شدیم راهی که همگام با روحانیت در پیش است.... به پیروزی مردم برده شود و استبداد و سرکوتی نظام استبداد وابسته به بیگانگان خواهد کشید.»

و این چیزی نیست غیر از نقش تاریخی بورژوازی لیبرال، که نمایندگان آنها، قبل از انقلاب، در لباس های گوناگون کوشیدند آزادیهای بورژوازی را جانشین استبداد سلطنتی بکنند و حتی تا آخرین روزهای انقلاب خواستار «سلطنت مشروطه» بودند و بعد از انقلاب می کوشند، نهضت ضد استبدادی و ضد امپریالیستی مردم را در همان مرحله اول متوقف کنند و سرمایه داری وابسته را در لباس دیگری ادامه دهند.

هر چند بورژوازی لیبرال در نامه خود چند بار گذرا به ضرورت مبارزه با امپریالیسم اشاره کرده، اما به ناچار در پایان نامه با مطلق کردن آزادیهای بورژوازی، خواست واقعی خود را که «حکومت ملت بر سر نوشت خود» نامیده، در استقرار آزادیهای بورژوازی دانسته و خواستار رعایت حقوق بنیادی فردی و اجتماعی، از طریق رعایت آزادیهای عقیده و بیان، تجمع و تشکل، احزاب، مطبوعات، آزادی نظام آموزشی، پرورش و پژوهشی، آزادی نظام خبری، آزادی دین و مسلک و کار و شغل و حرفه شده است. و این درست همان چیزی است که هم بورژوازی لیبرال میخواهد و هم امپریالیسم در شرایط مشخص کنونی، نبود «حداقل مطلوب و ممکن»، می پذیرد تا نقش دوم بعدی خود را برای سرکوب کامل انقلاب اجرا کند. بسخن دیگر جانشین کردن آزادیهای محدود بورژوازی با حفظ نفوذ امپریالیسم بجای دموکراسی بنیادی طبقات زحمتکش و نابودی تسلط امپریالیسم، پیورده نیست که «جورج بال» سخنگوی انحصارات امپریالیستی، پیروزی آن چیزی را در ایران بیش از همه در خدمت منافع آمریکا دانسته که گروه بندی «دموکراتیک» از سرمایه داران، صاحبان تخصص، روزنامه نگاران و استادان دانشگاهها منعکس کننده آن باشد این گروه بندی از نظر طبقاتی، همان بورژوازی لیبرال است.

حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر ایران، مشی بورژوازی لیبرال را به سود سرمایه داران وابسته و امپریالیستها میداند و لذا نه تنها خواستار آزادیهای دمکراتیک، بلکه خواهان استقرار حقوق دمکراتیک مردم ایران است. این آنها در سایه قطع ریشه های امپریالیسم امکان پذیر است.

## اخبار دهقانی

### باز هم مالکین و هماداران دهقانان حمله میروند.

موضوع متأسفانه تازه نیست و مردم، مدت ها است که خطر ناشی از مالکان بزرگ و تضییقات وارده بر دهقانان زحمتکش را از جانب آنها با حدت کامل خاطر نشان کرده است. این بار خبر از قریه کاتیچال - کیا کولا، که از توابع قائم شهر (مازندران) است، رسیده، در این قریه ۹۰ خانوار زندگی می کنند که چهل خانوار آن بکلی بدون زمین هستند و این خود نمونه ایست از نحوه ضد دهقانی آن باصطلاح اصلاحات ارضی نیم بند که در رژیم گذشته عملی شد و دهقانان بی زمین و کم زمین را اکثراً بی نصیب گذاشت. از بقیه هم ۱۲ خانوار کمتر از نیم هکتار (آری نیم هکتار) و هشت خانوار کمتر از یک هکتار دارند. این ۶۰ خانوار دهقان در واقع به نام شهرم محتاج هستند. در همین حال مالکی بنام عزتی، که از تجار کیا کلاست هفتاد هکتار زمین دارد. این شخص حتی مراجعه دهقانان را برای نصفه کاری رد کرده است.

دهقانان کاتیچال - کیا کولا، که اخیراً یک شورای پنج نفری در آنها به عضویت آیت الله برهانی، حسین کریمی، قنبر خورشیدی، عزیز الله محمدپور، ناصر قربانی انتخاب کرده بودند، از شوروا خواستند تا بر طبق اصلی که زمین مال کسی باشد که آنرا میکار و در بوم باید زمین مزروعی داده شود، این زمینهای مالک من بور، را که به تنهایی بیش از صد برابر خانوارهای فقیر در زمین دارد، به زارعین واگذار نماید. در اینجا بود که مالک، با استفاده از روش غیر مضمین دارد، به زارعین واگذار کرد که مرتباً لای زخم گذاشته می شود، تا تکلیف مالکیت زمینهای کشاورزی نامعلوم بماند، دوازده نفر چماق دار قلدر را اجیر کرده و آنرا بجان دهقانان انداخته است تا مانع حق طلبی روستائیان شود. دهقانان که از این همه ستم و حق کشی بجان آمده اند با اعضای نامعنائی، مجازات چماق داران و کوتاه کردن دست مالک را که، از نور چشمی های رژیم سابق بوده و بخروج دولت شاه مخلوع بسفر آلمان غربی رفته و خود در جرب کردن سیلها و سدولائی داشته، خواستار شده اند. خواست دهقانان زحمتکش بدانشتن زمین و پر خورداری از ممرات کار و زحمت خود کاملاً حق است و بهیچ بهانه ای نمی توان اجازه داد که بقیه گرسنگی و فقر هشتاد خانواد، چپاول و زورگویی تنی چند مالک ادامه یابد.

بقیه از شماره پیش

# گفتگویی با چریکهای فدائی خلق ایران درباره مسائل انقلاب ایران

جنجال بر سر «هژمونی» برای خدمت به ضد انقلاب

در آرایش قوای طبقاتی، که مائوئیستها پیشنهاد میکنند، جای بسیار بزرگی به جنجال بر سر آنچه که حضرات بدردوغ «هژمونی پرولتاریا» نامیده اند، داده میشود. آنان میکوشند چنین وانمود سازند که گویا هوادار جدی اندیشه لنینی هژمونی پرولتاریا در انقلاب دمکراتیک اند و گویا اختلافی که با مائوئیستها توده ایران دارند، علاوه بر سایر چیزها، از اختلاف نظر بر سر پذیرش یا عدم پذیرش هژمونی (سرکردگی) ناشی میشود. اما در واقع کلمه «هژمونی» که مائوئیستها از مارکسیسم-لنینیسم به ارث برده اند، در دست آنها به دستاویزی علیه مائوئیستها درست انقلابی بدل شده است.

ابتدا، ببینیم، خود آقایان «مارکسیست-لنینیست» چه میگویند؟ آقای «زرمند»، مدعی است که حزب توده ایران و «چریکهای فدائی خلق»، طرح شمار رهایی پرولتاریا را به ضرر پرولتاریا وانمود میکنند، و گویا عقیده حزب توده ایران و «چریکها» اینست که:

«مبارزان! به سرکردگی پرولتاریا نیندیشید، چرا که این باعث ردم کردن سایر اقشار میشود. بنا بر گفته لنین «پرولتاریا تنها قادر به انجام انقلاب نیست»، پس اگر این شعار را دادید، دیگر دکانتان را نخفته کنید، با این شعار انقلاب تمام و یکسره میشود. این «شرط» با «ماملاتی» که حزب توده با سایر اقشار و طبقات -اعم از خلقی و ضد خلقی- میکند، جوردر نمیآید.<sup>۱</sup>

تمام کسانی که با نوشته های گروه های مائوئیستی سروکار دارند، میدانند که این نوشته ها را باید ابتدا تکان داد، تا فحش و ناسزا و اتهام و افسرای آن بریزد. در اینصورت معمولاً نهم نوشته فرو میریزد و احیاناً یکدهم آن باقی میماند، که عقیده واقعی مائوئیستها را، آنچه بطور غیر مستقیم منعکس میکند. در مورد این جمله و نظائر آنهم، نهم نقل و نبات مائوئیستی را که بیرون بریزید، تنها این فکر باقی میماند که، حزب توده ایران با اقشار و طبقات غیر پرولتاری، چه خلقی و چه ضد خلقی، وارد «معامله» شده است و میخواهد این معامله را بدون «شرط» سرکردگی پرولتاریا جوش بدهد.

نظر حزب توده ایران، که آقایان «مارکسیست-لنینیست» با چنین شوقی به آن ناسزا میکنند، در برنامه حزب ما بشرح زیرین توضیح داده شده است: «تأمین سرکردگی طبقه کارگر تنها به اراده این طبقه و خواست حزب وی مربوط نیست. علاوه بر رهبری حزب طبقه کارگر، تجربه خود توده ها نیز شرط است تا این سرکردگی تحقق یابد. لذا در همین حال که حزب ما برای تأمین سرکردگی طبقه کارگر در انقلاب ملی و دمکراتیک مبارزه میکند، آنرا شرط وحدت عمل و اتحاد خود با دیگر نیروهای ملی و دمکراتیک قرار نمیدهد.»

آیا به این اندیشه واقف ایرادی وارد است؟ نه صد بار نه اسرکردگی پرولتاریا در انقلاب، یک روند تکاملی است و نه یک شرط مقدماتی و بدوی. پرولتاریا باید قبیل از هر چیز در مبارزه انقلابی شوکت کند و آنرا در سمت اصلی انقلابی سوق دهد و در جریان این نبرد انقلابی و اثبات صحت سیاست و قدرت و قاطعیت رهبری خویش، توده های انقلابی و دمکراتیک را، با تجربه خود آنها، به حقانیت خویش معتقد کند و دور خود گرد آورد. پرولتاریا در پیروزی قطعی انقلاب ملی و دمکراتیک پیش از همه ذینفع است و بورژوازی لیبرال و سازشکار ذینفع نیست. لذا هر گاه که انقلاب بسوی پیروزی قطعی برآید، گاهی است که بسوی تأمین مهر و نشان پرولتاری بر آن برداشته است. لنین در «دوتا کتیک سوسیال دمکراسی»، که برخی جماعات آن ناچوانمردانه مورد سوء استفاده مائوئیست های شرمسار از مائوئیسم قرار گرفته، درست در این باره میگوید:

«هر آینه بورژوازی موفق شود بوسیله بند و بست با تزار، انقلاب روس را عقیم گذارد، در اینصورت سوسیال دمکراسی در مقابل بورژوازی ناپسند و واقف آزادی عمل خود را از دست خواهد داد در اینصورت سوسیال دمکراسی در برابر بورژوازی حل میشود، بدین معنی که پرولتاریا موفق نخواهد شد مهر و نشان روشنی از خود بر انقلاب بگذارد...»

هر آینه انقلاب به پیروزی قطعی برسد - آنوقت ما طبق روش ژاکوبین ها، یا اگر مایل باشیم، بشیوه پلیم ها، - حساب خود را با تزاریکسره خواهیم کرد.<sup>۲</sup> لنین اضافه میکند:

«بورژوازی قادر نیست انقلاب دمکراتیک را به پایان خود برساند، ولی دهقانان استعداد این کار را دارند و ما باید با تمام قوای خود در راه حصول این مقصود به آنها کمک کنیم.»<sup>۳</sup>

محتوی انقلاب ایران، که ضد امپریالیستی و دمکراتیک است، با محتوی انقلاب اول روس، که اثر لنین بدان مناسبت نوشته شده است، یکی نیست و لذا هدفها و آرایش طبقاتی دو انقلاب نیز نمیتواند یکسان باشد. ولی در آنچه مربوط به هژمونی پرولتاریاست، خط سیر اندیشه لنین روشن است. لنین حتی تصور برخورد مکانیکی به این مسئله را بخود راه نمیدهد. او توضیح میدهد که:

«توصیه برای حفظ وضعیتی که به بهترین وجهی بتواند امکان پیشروی انقلاب را تأمین نماید، بسیار مورد پسند ماست.»<sup>۴</sup>

اما برای اینکه چنین وضعیتی حفظ شود و انقلاب از آن حدیکه بورژوازی خواهان آنست، تجاوز نماید «باید شمارهای را که «ناپسندگی» دموکراسی بورژوازی را خنثی مینماید، بطور فعال مطرح کرد در روی آن تکیه کرد.»<sup>۵</sup>

«برای اینکه انقلاب دمکراتیک ما بتواند بطرز پیگیری به پایان خود برسد، باید به نیروهای ائتلاف نمایه که قادر باشند ناپسندگی اجتناب ناپذیر بورژوازی را فلج نمایند.»<sup>۶</sup>

از این روند تکاملی است که لنین به این نتیجه درخشان میرسد که «پرولتاریا باید انقلاب دمکراتیک را به آخر برساند، بدین منظور باید که توده دهقان را بخود ملحق نماید تا بتواند نیروی مقاومت حکومت مطلقه را جبراً متکوب و ناپسندگی بورژوازی را فلج سازد.»<sup>۷</sup>

کسی که روند (پروسه) تکاملی بدل شدن پرولتاریا را به سر کرده انقلاب درک نکند، کسیکه پیوند این سرکردگی را با اتحاد کارگران و دهقانان نفهمد و کسیکه درک نکند که روند سرکردگی پرولتاریا با روند پیشرفت انقلاب مربوط است، کمترین چیزی از لنین نفهمیده است.

اضافه کنیم که مارکس و انگلس نیز، که بنیانگذاران اندیشه سرکردگی پرولتاریا هستند، مسئله را درست همینطور فهمیده اند، آنها در نامه نخست حزب کمونیست مینویسند:

بقیه از صفحه ۱

## نامه سرگشاده...

و آرایش نیروهای طبقاتی و سیاسی بدست میدهد و به رویدادهایی که در نظر اول مهم و بیچینه و متناقض مینماید، بر توفی روشن میافکند و ماهیت و سمت آنها را نشان میدهد، زیرا که به بسیاری از پرسشها و معضلات کنونی بطور متجز و مشخص و با نظریات صریح و منطقی پاسخی را که از نظر حزب ما معتبر و درست است، عرضه میدارد.

از همان آغاز خواننده «نامه سرگشاده» باین سؤال، که اینک بسیاری، گاه ناخود آگاه، مطرح میکنند، پاسخ میدهد که: «آیا انقلاب ایران چیزی هم برای مردم ایران باارغمان آورده؟ آیا دستاوردی داشته؟»

همه میدانند که عده ای، گاه باغرض ضد انقلابی، میگویند، آنچه خونها که بهدر رفته، آنچه تظاهرات و اعتصابات و زندان کشیدنها و محرومیتها به نتیجه قابل ملاحظه ای نرسیده، و با اصطلاح خودشان، حداکثر کاری که کرده آنست که، ردای سلطنتی را با عبا ی مذهبی عوض کرده. این نه فقط یک ارزیابی سرتاپا غلط از وضع گذشته و حال و یک برداشت بکلی

ناسالم از اهداف و نتایج انقلاب است، بلکه توهینی است بخلفهای ایران، که با آنچه فداکاری و ایثار توانستند یک پیروزی تاریخی و کم نظیر، که ایران و جهان را تکان داد، بدست آورند. «نامه سرگشاده» جوانب مختلف این پیروزی بزرگ و دستاوردهای واقعی آنرا در زمینه های مختلف بر میشمرد. سپس بر شالوده و ویژگیهای لحظه کنونی، که در آن عوامل بحران شدت میآید، مسئله اساسی طرح میشود، که چیزی نیست جز شناخت دشمن عمده انقلاب ایران. این شناخت وجهه گیری در برابر آن و متوجه کردن تمام نیروی انقلابی علیه آن و قطع کردن دست تمام ایادی آن، تنها شرط نجات انقلاب و تأمین پیروزی قطعی و پشبرد آن است. تمام کوششهایی که انجام میشود تا مثلاً «کمونیستها» یا «آخوندها» را دشمن عمده جلوه دهند یا تضادها و حوادث مختلفی خلق و علم کنند، در نهایت امر موجب می شود که دشمن اصلی و واقعی انقلاب ما، که امپریالیسم جهانی، بر سرکردگی امپریالیسم امریکاست، از انظار پنهان بماند، از زیر ضربه نیروهای مردمی بکنار رود، امکان یابد که بوطئه و تحریک دست یازد، خرابکاری کند و با من انقلاب ضربه زند

«کمونیستها در راه هدفهای فوری و منافع عاجل طبقه کارگر مبارزه میکنند، ولی همزمان با آن در جنبش کنونی دفاع از آینده جنبش را نیز بهمه دارند.»

کمونیستها در همه جا از هر جنبش انقلابی که ضد نظام اجتماعی و سیاسی موجود باشد، پشتیبانی میکنند...

کمونیستها همه جا برای برقراری اتحاد و توافق در میان احزاب دمکرات همه کشورها جهد میورزند... چنانکه میبینید، نه مارکس نه انگلس نه لنین هرگز سرکردگی پرولتاریا را به «شرط» بی ربط و مسخره ای که باید از ابتدا در برابر سایر نیروها گذاشت بدل نکرده اند.

ولی آقایان «مارکسیست-لنینیست» را کاری با مارکسیسم - لنینیسم نیست. آنها فقط به سیاست ضد انقلابی خود لیباسی از کلمات عاریتی مارکسیست میدوزند و لذا سرکردگی پرولتاریا در انقلاب اینطور از آب در میآید:

«ممکن است بورژوازی لیبرال دست از شعار خود بردارد و در این صورت باید از شعار جمهوری دمکراتیک خلق بر رهبری طبقه کارگر اطاعت کند... و در این حالت کارگران سعی میکنند با او بشیوه مسالمت آمیز رفتار کنند. اگر دست از لیبرال بودن برندارند... در اینصورت خلق بازور... اورا نابود میکند.»<sup>۸</sup>

داستان اینکه چگونه بورژوازی لیبرال دست از لیبرال شدن بر میدارد و مورد تنقید آقایان «مارکسیست - لنینیست» قرار میگیرد، بجای خود بماند. فعلا سخن بر سر چیز دیگری است که حضرات، «هژمونی» پرولتاریا نامیده اند.

آیا هژمونی پرولتاریا به این معناست که بورژوازی لیبرال رهبری طبقه کارگر را بپذیرد؟ و آیا راه تأمین هژمونی اینست که به بورژوازی اولتیماتوم بدیم که: یا رهبری را بپذیرد یا خلق نابودت میکند؟

این طرز تأمین هژمونی از طبقه کارگر عطار بیرون آمده است؟ در کجای مارکسیسم - لنینیسم این سخنرانی ها را میتوان یافت؟ ظاهر آقایان «مارکسیست-لنینیست» بجای مارکسیسم، از داستان موش و گربه عبید زاکانی فیض گرفته اند، آنجا که شاه موشان به گربه اولتیماتوم میدهد که:

«یا بیای پایتخت در خدمت، یا که آماده باش جنگان!»<sup>۹</sup> در مورد امید شاه موشان، که گربه در خدمت آید و نقش رهبری، ایشان را بپذیرد، خود داستان عبید گویند، و قاعدتاً هر پرولتاریایی که بخواد بورژوازی دست از شکارش بردارد و به خدمت درآید، همان نتیجه را خواهد گرفت. ولی اگر دهقانان و خرده بورژوازی اولتیماتوم شمارا نپذیرفتند چه عکس العملی نشان خواهید داد؟ سیاه مشق های مائوئیستی به این پرسش پاسخ مستقیمی نمیدهند.

قطب توصیه میکنند که باید به دهقانان بارها و بارها توضیح داد که اگر با کارگران اتحاد کنند، به همه هدفهای خود خواهند رسید.

«باید با خرده بورژوازی شهرنیز مانند دهقانان رفتار کرد.»<sup>۱۰</sup> ملاحظه میکنید که سخن از شرکت در مبارزه مشترک، قبل از اینکه دهقانان رهبری کارگران را بپذیرفته باشند و حمایت از جنبش دهقانی و نبرد انقلابی طبقات ضد امپریالیستی نیست. سخن از توضیح است. حال آمدیم دهقانان و خرده بورژوازی این توضیح را نپذیرفتند، و یا تا وقتی که نپذیرفته اند، چه باید کرد؟

پاسخی که مائوئیست ها در عهده و نمونه انقلاب ایران به این پرسش میدهند، اینست که باید با بورژوازی لیبرال علیه آنها متحد شد! آنچه جنجال بر سر هژمونی پرولتاریا، بدتر از کوهی که سالها باردار بود، موش میزاید. به نوشته های خود مائوئیست ها مراجعه کنیم.

ادامه دارد

و شاید هم دستاوردهای آنرا بر باد دهد. پس تکیه «نامه سرگشاده» بر این نکته و ضرورت تعیین دشمن عمده کاملاً بجاست. در شرایطی که هر روز مسئله ای ساز میشود و رویدادی انظار را بخود متوجه میسازد و از راست و چپ، انواع دستاویزها بمیدان میاید، ضرورت حیاتی دارد که بدانیم در واقع خطر از کجا متوجه حیات و ادامه انقلاب ماست، سر نوشت انقلاب ما از کجا و به چه وسیله و از چه راهی تهدید میشود و چرا باید درست علیه این دشمن اصلی و نه دشمنان ساخته فکر و ذهن و تصورات خود یاد دشمنان غیر عمده و یا مخالفان فرعی قیام و مبارزه کرد. با نشان دادن دشمن عمده باید امکان مانور کردن، فعالیت، خرابکاری و ضرب زدن با انقلاب را از آن سلب کنیم، و این همان کاری است که حزب توده ایران آنرا توصیه میکند و در «نامه سرگشاده» خود تصریح میکند

که این دشمن عمده چه منافعی حیاتی اقتصادی و استراتژیکی در ایران داشته و بر چه هم اکنون چه پایگاههای نیرومندی را هنوز در اختیار دارد، که اگر ریشه کن نشوند، انقلاب بر باد خواهد رفت. «نامه سرگشاده» کمیته مرکزی حزب مائوئیستها و تدابیر مختلف امپریالیسم را نیز بر ملا میکند.

در زمینه ارزیابی دشمن عمده و روشهای او، متأسفانه در میان همه نیروها تکیه در مرحله اول انقلاب بر کت داشته اند، اکنون برخورد یکسانی دیده نمیشود. جدا کردن حساب خود از حساب انقلاب، لایه بندی و حتی تبری چستن از انقلاب و برآز پیشمانی نیز دیده میشود.

پس بی پایه نیست که «نامه سرگشاده» توجه را بوجه سب گرایش و جهت گیری اساسی در سیاست ایران جلب میکند، که شناخت آنها و وی بردن به سیاست و روش هر یک از آنها، برای درک آنچه در میهن ما میگذرد و موضوع گیری شخصیتها و گروههای مختلف کاملاً لازم است.

و بالاخره مطلب بسیار مهم دیگر اینست، در لحظه کنونی کشور ما با مشکلات بسیار فراوان و متنوع در پنج زمینه سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و امنیتی و ملی رو بروست که حل آنها در دستور روز است و برای آنها باید راه حل های انقلابی، ریشه ای، علمی و قاطع پیدا کرد و توده مردم را در این جهت بسیج کرد و بمیدان کشید.

میدان نبرد انقلابی ما اینست سیمای تازه یافته، و اگر ما این مشکلات را از بین نبریم، انقلاب مادر خطر خواهد بود.

همه این مسائل مهم و حیاتی هستند، منتهی از بین تمام آنها، مهمترین و بزرگترین مشکل جامعه کنونی ما، مشکل اقتصادی است. رکورد، خوابیدن تولید، درد بزرگ بیکاری، گران، زنک زدن تدریجی چرخها، همه در اینجا چشمه مینمایند و بیشترین نارضایتی ها نیز از همین جاسر چشمه میگیرند و بزرگترین خرابکاریها و توطئه های ضد انقلابی نیز در همین جاسرک میباید.

در «نامه سرگشاده» به همین جهت بیشترین جا به تشریح و توضیح آن اختصاص داده شده و تداوم معنی، که باید در هر زمینه اتخاذ شود و گرایشهای مختلفی، که هر گروه سیاسی و اجتماعی در این زمینهها دارد، با دقت و بصراحت یاد آوری شده است.

سر نوشت انقلاب ایران به سر انجام حل این مشکل اقتصادی، وابستگی کامل و همه جانبه دارد. ما مستقدیم که باید توجه اساسی به پیدا کردن راه حلی عقلانی و علمی، بر پایه منافع مسیهن ما و همه زحمتکشان در این زمینه معطوف شود.

نشان دادن این الویت البته بمعنای کم بها دادن سایر مشکلات نیست و «نامه سرگشاده» با دقت همه این مسائل را که گاه بسیار حاد و گاهی هم میشوند، مورد بررسی قرار میدهد و راه حل های را که ممکن و ضرور میسرند، عرضه میدارد و میطلبد که هر گروه و نیروی، که هنوز همچنان به امر انقلاب مؤمن باقی مانده و خواستار پیشبرد آن به سود زحمتکشان و میهن ما است، به افاد این «نامه سرگشاده» با توجه لازم و باحس مسولیت انقلابی برخورد نماید تا راه برای حل همه مشکلات، که چیزی جز تشخیص دشمن عمده و تشکیل جبهه متحدی از تمام نیروهای انقلابی، ضد امپریالیستی، و دمکراتیک و خلقی بر ضد این دشمن نیست، هموار گردد.

۱ - «چرا...» ص ۱۷ تکیه از ماست

۲ - انتخابات، ترجمه فارسی، جلد اول قسمت دوم ص ۶۴

۳ - همان اثر ص ۱۲۱

۴ - همان اثر ص ۴۳

۵ - همان اثر ص ۴۴

۶ - همان اثر ص ۱۲۲

۷ - همانجا

۸ - مانیفست حزب کمونیست، از انتشارات حزب توده ایران ۱۳۵۴

صفحات ۱۲۳، ۱۲۶

۹ - «دوره» جمهوری دمکراتیک خلق، ص ۲۲ (تکیه از ماست)

۱۰ - همان جزوه، ص ۲۰



# پرسشها و پاسخها

درباره سازماندهی روز اعتراض ضد امریکائی در تهران و جزئیات مربوط به آن نامه‌های فراوان دریافت کرده‌ایم و چندین نفر نیز زنگ زده با تلفن نظریات خود را گفته‌اند. ایرادها، انتقادات، پیشنهادها و پرسشها در این مورد نشان میدهد که تاچه اندازه دوستان ما با دقت، مراقب کار حزب خودشان، حزب توده ایران هستند و حاضر نیستند هیچ خطا یا سهل انگاری یا سازماندهی ناکافی یا حتی بی‌حوصلگی و بروز بیجای خشم را ببخشند. این بسیار مثبت است. با اینکه پنهان شده برخی از دوستان در این ماههای آغاز کار علنی احتراز از چنین مواردی کاری است دشوار، ما بخاطر همه این تذکرها، ایرادها، پرسشها و پیشنهادها صمیمانه از دوستان خود تشکر میکنیم. پرسشها و گزارشها درباره چگونگی تدارک و برگزاری راهپیمایی و وجود نکات منفی متعددی چه در اعلامیه‌ها و چه در راه پیمایی و طرز گرد آمدن و غیره و یا در نحوه انجام وظیفه ماشین اعلام کننده شعارها و غیره است.

ما در آینده سعی خواهیم کرد باین نکات ارزشمند از نظر سازمانی توجه کنیم. تدارک بموقع هر اقدام سیاسی، اعلام دقیق جا وساعت و عدم تشتت، گزینش قبلی شعارها و انتخاب قبلی مسئولان صف، همه نکاتی است که در کلیه موارد صادق است و باید اجرا شود. حتی دوستانی که مسئله بیجان آمدن رفقای شرکت کننده و پاسخ دادن به تحریکات ناجوانمردانه گروهکهای مغرب را عنوان کرده‌اند، نیز حق دارند. لایه برای این شرکت کنندگان غیر قابل تحمل مینمود که با اینهمه شور و صداقت در نبرد ضدامپریالیستی در کنار سایر نیروها شرکت کنند، ولی در معرض حملات لجاجت گسیخته مثنی عوامفریب و مقصد جو یا فریب خورده قرار گیرند. لایه برای آنان غیر قابل تحمل مینمود که وقتی تمام خلق میخواستند تا امپریالیسم امریکا را محکوم کنند و دشمن عمده را بکوبند، عده‌ای دیوانه وار فریاد «مرگ بر کمیت مرکزی» برآوردند، آنهم در جائیکه دو تن از همان اعضای کمیته مرکزی، که یکی علیه امپریالیسم امریکا فطقی کرد و دیگری قطعنامه راهپیمایی را خواند، یعنی رفقا عمری و باقرزاده، هر یک ۲۵ سال در زندان رژیم شاه خائن محبوس بوده‌اند و چنان شکنجه‌ها و سیاه چالهایی دیده‌اند که به خواب این تفرقه افکنان و هوچیان پر بدعنامی آید. ولی البته همه اینها توجیهی برای پاسخ گویی به تحریکات دشمن حیلہ گر نیست، بلکه توضیحی است برای آن دوستانی که پرسیده‌اند: چرا برآشفته شدید و چرا زنده باد کمیته مرکزی گفتید. تمامی آن مردمی که در آن روز بخوابانها آمدند و منجمله کلیه کسانی که به ندای حزب ما پاسخ گفتند، همه در یک مسئله اساسی اتفاق نظر داشتند: امپریالیسم امریکا دشمن اصلی است، این دشمن بیکار ننشسته و دارد تحریک میکند و توطئه میچیند و باید بیدار و هشیار بود. لایه تیز حمله باید متوجه امپریالیسم باشد. انقلابی واقعی در این لحظه کسی است که این مسئله عمده را فراموش نکند و در جهت تقویت جنبه ضد امپریالیستی با تمام قوا بکوشد. ما توده‌ایها در راهپیمایی خود، در تمام فعالیتها و اقدامات و تبلیغات خود، موسسگری اصولی خود را بر همین شاخص عمده استوار کرده‌ایم و بر پایه همین ملاک کلیه انقلابیون صدیق را به همکاری و وحدت عمل فرا میخوانیم.

## رویدادهای جهان

### تصویب از پیش برای ایفای نقش ژاندارمی آماده می‌شود

مقامات امریکا اعلام کردند که این کشور آماده است تا ماه اکتبر حدود ۱۲ فروند جت فانوم به مصر تحویل دهد تا قدرت نظامی سادات تقویت شود. شانزده خلبان مصری در این هفته برای آموزش کار با این فانومها به سان-آنتونیو، واقع در تگزاس، می‌روند. مقامات امریکایی، که سعی در اختفای نام خود داشتند، متذکر شدند که این فانومها از محل اعتبار یک میلیارد و پانصد میلیون دلاری امریکا، که از طرف کنکره این کشور تصویب شده، به مصر تحویل داده می‌شود.

در همین مورد آشویتدیرس گزارش داد که مجلس نمایندگان امریکا لایحه کمک چهار میلیارد و هفتصد میلیون دلاری این کشور را به سادات و بکین، با ۳۴۷ رأی موافق در برابر ۲۸ رأی مخالف تصویب کرد.

این خود فروشی سادات بازتابهایی در داخل مصر و در جهان عرب داشته است که روز بروز آبیاری گسترده‌تری می‌یابد.

یاسر عرفات، رهبر سازمان آزادیبخش فلسطین در مصاحبه‌ای با هفته نامه «الحوادث»، چاپ لبنان، اعلام کرد که خیانت سادات به منافع و مصالح کشورهای عربی و فلسطین، شکافی عمیق میان رژیم وی و جنبش مقاومت فلسطین پدید آورده است.

عرفات پیشنهاد امریکا را در این مورد که رژیم مصر از طرف اعراب فلسطین با اسرائیل گفت و گو کند، مردود اعلام کرد و گفت سادات حق ندارد در باره سر نوشت بیت المقدس تصمیم اتخاذ کند. ابوعمار سپس تجاوز اسرائیل را به لبنان محکوم کرد و تاکید ورزید که این اقدامات تجاوز کارانه قسمتی از توطئه کارتر- سادات و بکین است که بر مبنای آن نقش ژاندارمی خاورمیانه بر رژیمهای مصر و اسرائیل تفویض شده است.

### توطئه چینیهای چین و پاکستان علیه افغانستان

روزنامه پراودا، ارگان حزب کمونیست اتحاد شوروی ضمن افشاء مجدد مداخلات دولت پاکستان در امور داخلی افغانستان، در این مورد به آن دولت اخطار کرد. پراودا به دولت پاکستان هشدار داد که اتحاد شوروی در باره تجاوز پاکستان به حریم حاکمیت افغانستان و نفوذ گروههای مسلح پاکستانی به خاک آن کشور و کوشش پاکستان در راه ایجاد بحران در منطقه نمی‌تواند بی تفاوت بماند. پراودا یاد آور شد که این مداخلات در نزدیکی مرزهای اتحاد شوروی انجام می‌گیرد و تجاوز علیه شوروی است که با اتحاد شوروی مرز مشترک دارد.

روزنامه ارگان حزب کمونیست اتحاد شوروی تصریح کرد که راهزنان و تروریستهایی که به اسارت گرفته شده‌اند، اعتراف کرده‌اند که مستشاران پاکستانی و چینی در تشکیل دسته‌های مهاجم علیه افغانستان مشارکت دارند. پراودا سپس تاکید ورزید که محافل امپریالیستی این تحریکات را علیه افغانستان تدارک دیده‌اند و هدف آنها این است که بهر قیمتی که باشد میان افغانستان و پاکستان درگیری ایجاد کنند.

### کمک به فلسطینیها، علی رغم اعتراض امریکا و انگلیس (در اوتکتاد)

مجمع عمومی و پنجمین کنفرانس بازرگانی و توسعه سازمان ملل متحد تصویب کرد که اجلاس آینده این کنفرانس (در سال ۱۹۸۳) در کوبا تشکیل شود. تذکار دو نکته در باره اجلاس اخیر واجد اهمیت است: نخست آنکه نمایندگان کشورهای سرمایه داری غرب زیر فشار ۱۱۹ کشور در حال رشد (گروه ۷۷) قرار گرفته‌اند که به پیشرفت ناچیز گفت و گوهای یک ماهه درباره نظام اقتصادی جدید بین المللی، سخت معترض هستند. دیگر آنکه هیئت‌های شرکت کننده در این کنفرانس، علی رغم اعتراض امریکا و اسرائیل، تصمیم گرفتند که کمکهای خود را به سازمان آزادیبخش فلسطین و سایر جنبشهای آزادیبخش جهان (از جمله سازمان خلق آفریقای جنوبی- سواپو- و سازمان چریکهای ناسیونالیست رودزیا) افزایش دهند.

این تصمیم با وجود هشدارهای که نماینده امریکا تحت عنوان «ذنیانینش بودن این اقدام برای استقرار صلح در خاورمیانه» داد، از طرف کنفرانس اتخاذ شد.

### بحران در جهان غرب

تصمیم امریکا در باره کمک مالی به واردات نفت این کشور، بر وسعت وحدت اختلافات میان امریکا از یک طرف و ژاپن و کشورهای عضو بازار مشترک از سوی دیگر افزوده است.

دولت امریکا اعلام کرده که وارد کنندگان نفت از قرار هر بشکه ۵ دلار کمک مالی دریافت خواهند کرد. کارتر این تصمیم را اتخاذ کرده است تا ورود نفت کافی را بمنظور پر کردن مجدد انبارهای سوخت امریکا تسهیل کند.

مقامات ژاپنی اعلام کردند که این اقدام امریکا احتمالاً ثبات قیمت نفت را از میان خواهد برد. از طرف دیگر کمیتر انرژی بازار مشترک این تصمیم امریکا را خودخواهانه توصیف کرد و آن را مانع با تصمیم اخیر کشورهای صنعتی درباره کاهش مصرف نفت خواند.

### خواستنی که صهیونیسم برای خاور میانه دیده است

آریل شارون، وزیر کشاورزی اسرائیل، خواستار آن شده که در خلال بیست تا سی سال آینده، در کرانه غربی رود اردن و نوار غزه آبادیهای یهودی نشین تأسیس شود. وی که در پارلمان اسرائیل سخن می‌گفت، تصریح کرد که بر اساس طرحی که تنظیم کرده است تعداد مهاجر نشینهای یهودی در ناحیه پر جمعیت عرب نشین شمال ساحل غربی رود اردن سریمافاً فزونی خواهد یافت. شارون صراحتاً اعلام کرد که بیست و پنج آبادی یهودی نشین کنونی در دره رود اردن بر اساس طرح پیشنهادی وی، به دو برابر افزایش خواهد یافت.

### وتنقش حمایتگر امریکا

یاسر عرفات رهبر سازمان آزادیبخش فلسطین اعلام کرد که اسرائیل در تجاوز مداوم خود به جنوب لبنان، به امریکا و شخص جیمی کارتر مستظهر است. رهبر سازمان آزادیبخش فلسطین همچنین گفت: «هشتمین اخیر کارتر در مخالفت با تأسیس یک دولت فلسطین مستقیماً با تجاوز اسرائیل به لبنان و علیه جنبش مقاومت فلسطین ارتباط دارد. ابوعمار تاکید ورزید که تحولات اخیر اثبات می‌کند که یک طرح مشترک امپریالیستی - صهیونیستی برای اشغال جنوب لبنان و قلع و قمع جنبش مقاومت فلسطین از طرف اسرائیل، وجود دارد».

### کشتار در لبنان و شکایت در سازمان ملل آماده دارد

توپخانه اسرائیل مواضع فدائیان فلسطین را در جنوب لبنان گلوله باران کرد. مقامات لبنانی اعلام کردند که بر اثر این تپ اندازها پنج نفر به قتل رسیدند و عده‌ای زخمی شدند.

فؤاد بطرس، وزیر امور خارجه لبنان، اعلام کرد که به نمایندگی این کشور در سازمان ملل متحد دستور داده است که تشکیل اجلاس شورای امنیت را برای رسیدگی به وضع مخاطره آمیز ناشی از تجاوزات روزانه اسرائیل تقاضا کند. در این مهان مسیعیان راستگرای مسلح لبنان نیز از همدستی با جنایات اسرائیل دریغ نورزیدند، و پس از آتش بس کوتاهی که در جنوب این کشور برقرار شده بود، شهر حسیبه را زیر آتش توپخانه خود گرفتند که صدمات جانی و مالی ببار آورد.

### بقیه از صفحه ۶ به تیرگی کشاندن

نموده‌اند، از حتمتشان مینماید ما وجوه مشترک بسیاری وجود دارد، زیرا انقلاب ضد سلطنتی و ضد امپریالیستی مردم ایران، بر هریر امام خمینی، درست در سمت دفاع و تأمین حقوق و آزادی و منافع توسعه‌های زحمتکش، یعنی مستضعفین انجام گرفت.

از سوی دیگر انقلاب مردم ایران و مردم افغانستان دارای دشمنان مشترکی است، یعنی گروهها و طبقات ستمگر، که بسر این مردم حکومت استبدادی خود را مسلط کرده بودند و ارتجاع و امپریالیسم جهانی، که پشتیبان این حکومتها بوده هستند. پس در اینصورت منافع انقلاب در میهن ما و افغانستان که هر دو برفع زحمتکشان پیروز گردیده و از سوی دشمن مشترک، یعنی ضد انقلاب داخلی در هر کشور و امپریالیسم به سرکردگی امپریالیسم امریکا، در معرض تهدید و خطراند، ایجاب میکند که بجای ایجاد تیرگی و سوءتفاهم در روابط میان دو کشور و خلقهای آنان، به برقراری روابط نزدیک دوستانه، حسن همجواری و پشتیبانی متقابل میان آنها مساعدت شود.

به تیرگی کشاندن روابط ایران و افغانستان تنها به سود محافلی است که بمنافع و مواضع اقتصادی و سیاسی و نظامی آنها، در نتیجه پیروزی انقلاب در

افغانستان و بدنبال آن پیروزی انقلاب در ایران، به مقیاس منطقه و جهانی لطمه وارد آمده است. همین محافل هستند که کوشش دارند رویدادهای افغانستان را بصورت عصیان عمومی خلق علیه دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان جلوه دهند و کانونهای ضد انقلاب و خرابکاری و توطئه در داخل و خارج از مرزهای افغانستان را تقویت نمایند. بنا به گزارش خبرگزاریها، در پی اعلام عضو عمومی از جانب دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان، هشتاد هزار نفر از اتباع افغانستان، که در نتیجه تبلیغات سوء خاک میهن را ترک کرده بودند، از پاکستان به میهن خود بازگشتند. این اقدام دولت افغانستان و بازگشت اتباع افغانستان به کشور، نقشه‌های توطئه‌گرانه محافل ارتجاعی و امپریالیستی را عقیم میگذارد و ماهیت کارزار تبلیغاتی ضد انقلابی آنها را برملا میسازد.

### قابل توجه رفقای کارگر

از رفقای کارگر عضو سابق حزب، که به آرمان خود وفادار مانده‌اند، ولی بملل گوناگون تماس حزبی ندارند و همچنین رفقای کارگر تازه وارد خواهشمند است برای رسیدگی بوضع حزبی‌شان همه روزه (بغیر از روزهای پنجشنبه و جمعه) از ساعت ۵ تا ۷ بعد از ظهر به دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران شعبه امور کارگری، مراجعه کنند.

نشانی: خیابان ۱۶ آذر شماره ۶۷

### بقیه از صفحه ۶

### همبستگی با مردم عراق

یک جوان مبارز عضو حزب کمونیست عراق در استان انبار را، عمداً زیر اتمومیل گرفته کشند. این شهید نافع بدیوی نام دارد. در شهر نجف، عده‌ای که میخواستند بسود رهبری انقلاب ایران و در حمایت از امام خمینی تظاهراتی را سازمان دهند، بوسیله عمال بعثی بازداشت شدند. به قرار اطلاع یکی از سرشناسان محل بنام کربلانی، در محکمه نظامی محکوم بمرگ شده است. در مناطق کرد نشین نیز بمشیا به شهر کوی سنجد یورش برده، ۵۰ نفر را دستگیر کرده‌اند، که از ایشان نیز هیچگونه خبری نیست. در استان ذیقار، ۱۸ تن از دانش‌آموزان مدرسه ناصریه، تنها باین جرم که راضی نشدند وارد حزب بعث عراق شوند، در تاریخ ۲۸

آوریل از مدرسه اخراج گردیدند. در بسیاری از مدارس دیگر، دانش‌آموزانیکه حاضر بورود اجباری در حزب بعث نمیشوند، از فرصت دادن امتحان محروم میشوند. در شهر رمادی نیز، امام جمعه، بعثت نصب پلاکاردی که روی آن نوشته شده بود «ای مردم علیه یکدیگر جاسوسی نکنید، فتنه انگیزی نکنید و غیبت روا مدارید» بازداشت شد. نزدیکان این روحانی نیز از سر نوشت او اطلاعی ندارند.

در روز ۱۲ آوریل، هنگامیکه برق بندر معقل بصره قطع شد، مردم از فرصت استفاده کرده در تاریکی شعارهایی که حکومت ترور و اختناق ۱۰ محکوم میکرد، بر در و دیوار نوشته و ناسب کردند. مقامات بعثی ۵۰ نفر از مبارزان سیاسی و مذهبی را بازداشت کردند.

همه این اخبار نشان میدهد که بساط استبداد خشن، روز بروز در کشور همسایه ما گسترده‌تر میشود و همه اقتدار و طبقات و محافل را اعم از کارگر یا محصل، کمونیست یا روحانی، در معرض یورش خود قرار میدهد.

اختناق و آزادیکشی، هنگامیکه به مشی دولتی بدل شود، همه گیر میشود و همه میهن پرستان و آزادیخواهان را لطمه خود میسازد. آنچه اینک در معرض خطر است، سر نوشت و آینده کشور عراق، استقلال و مشی ضد امپریالیستی آنست.

مردم منطقه و همه محافل مترقی با خشم و نگرانی ناظر گسترش دامنه ترور و سرکوبی، دستگیری مردم و بی اطلاعی از سر نوشت مبارزان، صدور احکام زندان و اعدام هستند. ما نیز بنوبه خود علیه خود کامیابا آزادی-

کشیها اعتراض میکنیم و دزد کنار خلق برادر عراق هستیم و امیدواریم که این راه خطرناک و بی‌سرانجام، هرچه زودتر قطع شود و محافل و سازمانها و احزاب مترقی ضد امپریالیستی و دموکراتیک عراق بتوانند در عمل و صادقانه زبان مشترکی پیدا کنند و در راه استقلال و مسادت میهن خود آزادی و بهروزی مردم عراق و بسود امر صلح و امنیت در منطقه با یکدیگر همکاری کنند.

### ملاحظات چند

## درباره تاریخ انقلاب

### مشروطیت ایران

### بقلم رحیم نامور

منتشر شد



# از ضد انقلاب خرنده تا ضد انقلاب خشن

# به تیرگی کشاندن روابط ایران و افغانستان، به نفع انقلاب ایران نیست

ضد انقلاب هنوز آن قدرت را نیافته که یکباره قدرت حاکم را تصرف کند، ولی این اختیوس هشتپا، که هرپایش هزار نیش میکند دارد، لحظه به لحظه به پیش میخزد تا سرانجام بتواند طعمه خود ایران مارا دوباره در حلقه چنگهای مرگبار خود بفشرد.

ضد انقلاب اصطلاحی بی‌محتوی نیست، واژه‌ای با مفهوم و معنای مشخص است. ضد انقلاب، یعنی امپریالیسم (بویژه امپریالیسم امریکایکاو سوسیالیسم) و ارتجاع داخلی وابسته بدانها با عوامل و کارگزارانشان.

ضد انقلاب با واژگون شدن رژیم پهلوی پایگاه سلطه عملیاتی بسیار مهمی را در کشور ما و در منطقه از دست داده، ولی مواضع و مسائل مهم دیگری را هنوز در دست دارد.

ضد انقلاب برای خریدن به پیش نه فقط از دشواریهای بهره‌گیری میکند که بعد از هر انقلابی، از جمله انقلاب ما، طبعاً پدید میآید، بلکه با تکیه همان مواضع و بکمک همان وسائل که در دست دارد، به پیش میخزد و راه را برای پیشرفت سریعتر خود استوار و هموارتر میکند.

اگر کسی تصور کند که هدف انقلاب ایران فقط «برچیدن سلسله دیکتاتوری بودو تأمین آزادیها و اسلام» و فراموش کند که دیکتاتوری فقط سدی بود که برداشتن آن برای انجام انقلاب ضد امپریالیستی، که محتوی اصلی انقلاب ایران است، لازم بود، اگر کسی انقلاب را در مرحله کنونی تمام شده بداند، بزرگترین و خطرناکترین اشتباهات را مرتکب شده است. دیکتاتوری شاه مخلوع وسیله اسارت ملی ما توسط امپریالیسم بود، برچیدن آن شکستن سد برای طرف امپریالیسم است.

مواضع و وسائلی که هنوز در دست امپریالیسم و ارتجاع وابسته بدان باقی مانده، هم در زمینه نحوه تفکر و عادت در قشر باصلاح متوسط (و عادت خود نیرو است)، هم در زمینه اقتصادی (ساختار اقتصادی وابسته تقریباً دست نخورده باقی مانده) هم در زمینه سیاسی و نظامی است. ماهنوز قراردادهای پرمشمار تحمیلی با امپریالیستها و درراس آنها امپریالیستهای امریکائی را لغو نکرده‌ایم، حتی قراردادی نظیر قرارداد دو جانبه نظامی با امریکا را که بی‌کم و کاست سند اسارت ملی است.

سبب عمده این وضع، که خریدن ضد انقلاب را در راه «تلافی» ممکن گردانیده - بی‌پرده باید گفت - روشی بورژوازی لیبرال ایران است که انقلاب را تا همین جای می‌رساند، انقلاب را تمام شده می‌داند، خواستار تمام قدرت حاکمه بخاطر اینستکه، همه چیز را بصورت سابق منتهای استبداد، «سروسامان» دهد. در نظر نمایندگان این طبقه حتی دیگر «مستضعفین» هم وجود ندارند و این واژه را باید بدور انداخت. اصولاً حتی «طبقه» در ایران، نه فقط در حال حاضر بلکه هیچگاه در تاریخ دوران طاغوت ها نیز وجود نداشته است، باین دلیل که حاج میرزا آقاسی، که به صدر اعظمی ناصرالدین شاه رسید، جلودار قاطر زن ناصرالدین شاه بود، یا اللهم ! باین منطبق ازین دیدگاه، نه فقط در ایران و حتی در دوران ناصرالدین شاه و رضاشاه و محمدرضاشاه، بلکه در هیچ کجا، از جمله مثلاً در امریکا، این طبقات وجود نداشته و ندارند، زیرا که جبرالد فورد نیز که بریاست جمهوری رسید، مثلاً «بوسور» و «فوتبالیست» بودو کارتی «بادام زمینی» میکاشته است !

مردم کشور همجوار ما افغانستان با مردم مین ما، طی قرون و اعصار سر-نوشت تقریباً یکسانی داشته‌اند و همواره از تعدیات و تجاوزات استعمارگران و استثمارگران خارجی، و بیعدالتی وستم حکومتیهای ضد خلقی در رنج و عذاب و محروم از حقوق و آزادیهای دموکراتیک بوده‌اند.

مردم افغانستان نیز در راه کسب استقلال و برانداختن سلطه استعمار خارجی و بدست آوردن آزادی و استقرار نظامی مردمی و عادلانه در مین خویش، راه پر نشیب و فراز مبارزه‌ای دشوار را پیموده و در این راه قربانیهای فراوان داده‌اند. مبارزات مردم این سرزمین علیه امپریالیسم و حکومتیهای چپار و ضد خلقی سرانجام با انقلاب دلیرانه ارتشیان مین پرست و با شرکت و پشتیبانی همه طبقات زحمتکش، برهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان، به پیروزی انجامید و به نظام فرتوت ضد خلقی وستمگر در این کشور پایان داد.

دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان، در همان نخستین اعلامیه‌های خود پس از پیروزی انقلاب، برابری حقوق و آزادی همه خلقهای ساکن در این کشور را، بدون وابستگی به تعلقات ملی و مذهبی اعلام داشت و سیاست خارجی خود را بر پایه اصول همزیستی مسالمت آمیز و دوستی و همکاری با کشورهای همجوار و بیطرفی و عدم شرکت در پیمانهای نظامی، حمایت و پشتیبانی از جنبش‌های رهایی بخش ملی و مبارزات ضد امپریالیستی خلقها بنا نهاد.

دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان، طی یکسال که از پیروزی انقلاب میگذرد در زمینه بازسازی زندگی اجتماعی و اقتصادی کشور و احیاء و تأمین حقوق و آزادیهای دموکراتیک همه اقشار زحمتکش کشور گامهای مؤثری

زحمتکش و بویژه توده‌های وسیع دهقانان افغانستان، که به برکت پیروزی انقلاب در این کشور، از بندهای استعمار و استثمار و جور و ستم قرون وسطائی خانها و فئودالها رهایی یافته و به حقوق و آزادیهای دموکراتیک رسیده‌اند، در اکثریت مطلق خود از دین اسلام پیروی میکنند و مسلمانان مومنی هستند و همان مستضعفین را تشکیل میدهند. اقلیت استثمارگر و ستمگر نیز که تا قبل از انقلاب خون این مستضعفین را چون زالو می‌مکید و به استعمار و امپریالیسم جهانی تکیه داشت، خود را مسلمان مینامد، همچنانکه شاه مخلوع ایران و رژیم ساواک‌اش خود را مسلمان و مدافع دین اسلام وانمود میکردند. پس در این مورد هم، میان مردم زحمتکش و مسلمان افغانستان، که علیه ظلم وستم انقلاب

برداشته است. طبیعی است که این اقدامات و بویژه اصلاحات ارضی و کشاورزی بنفع توده‌های وسیع دهقانان بی‌زمین و کم‌زمین، که هدفش ریشه کن کردن نظام فئودالی وختی ماقبل فئودالی در روستاهای افغانستان است، حس خصومت و کین‌توزی ایلخانان و فئودالها و دیگر طبقات ستمگر، که سالیان دراز زالوار ازین توده‌های ستمدیده خون میکده‌اند، برمیآنگیزد. محافل ارتجاعی و امپریالیسم جهانی، که بنا به سرشت ضد خلقی خود دشمن سوگند خورده و هر انقلاب و تحول بنفع توده‌های زحمتکش و دول مستقل و ملی هستند، به پشتیبانی و تحریک نیروها و عناصر ضد انقلاب و ضد مردمی برمیخیزند و بارهای مدافعان و حقوق‌بشر، و یا زیر عنوانین مختلف دیگر، به توطئه و خرابکاری علیه انقلاب دست میزنند.

## پیام کمیته مرکزی حزب کمونیست سوریه به کمیته مرکزی حزب توده ایران

انقلاب ایران رادنیال کرده‌اند، به مبارزه کنونی شما، که هدفش تحکیم پیروزی‌های انقلاب ایران و راندن آن به پیش و از بین بردن مشکلاتی است که انقلاب با آن روبرو است، و همچنین تحکیم دوستی ایران با جنبش آزادیبخش عرب و جنبش‌های آزادیبخش در سراسر جهان و نیز پشتیبانی از جنبش مقاومت فلسطین و تحکیم دوستی با همسایه ایران، اتحاد جماهیر شوروی است، با دیده تحسین میشکند.

کمیته مرکزی حزب کمونیست سوریه از بین بردن رژیم سلطنتی و برقراری جمهوری اسلامی، با واد آوردن ضربت به نفوذ امپریالیسم امریکائی، از بین بردن پایگاههای نظامی آمریکا، رهایی ایران از پیروی سیاسی و نظامی از آمریکا و آزاد کردن ثروتهای نفتی ایران از تسلط انحصارات نفتی جهانی به پیروزی بزرگی نائل آمده است.

ایران در نتیجه این انقلاب از پیمان امپریالیستی سنتو خارج شده، روابط خود را با اسرائیل و رژیم جنایتکار سادات قطع کرده، سازمان آزادیبخش فلسطین را برصمیمت شناخته و پشتیبانی خود را از نبرد اعراب علیه اشغال اراضی آنها توسط اسرائیل و مبارزه ملت‌ها علیه امپریالیسم اعلام کرده است.

در انقلاب ایران، که رهبری آن از جانب پیشوای ملی آیت‌الله خمینی انجام گرفته است، گسترده‌ترین قشرهای مردم ایران، کارگران، کشاورزان، دانشجویان، روشنفکران، ارتشیان و بازارگانان شرکت کرده‌اند. این انقلاب نتیجه مبارزات طولانی و دشواری است که مبارزان ملی ایران طی دهها سال انجام داده‌اند.

حزب شما نقش مؤثری در مجموع این مبارزه ایفا کرده است. حزب توده ایران، طی دهسال، علیه استبداد سلطنتی، علیه تسلط امپریالیسم، برای دموکراسی و مصالح مردم مبارزه کرده و در این راه شهادت بسیاری داده است. بسیاری از اعضای این حزب به زندانها افتاده و سالیهای دراز را در آنجا گذرانده‌اند. همین دلیل حزب توده ایران مورد احترام و محبت مردم ایران و توده‌های زحمتکش قرار گرفته است. کمیته مرکزی حزب کمونیست سوریه دبیر کل، خالد بکدائش

## همبستگی با مردم عراق، که زیر بار ظلم و زورگویی نمیروند

مخالف خاصی که میکوشند جنبه ضد امپریالیستی مردم عراق را به وسیله تخریب کنند، تخریب کنند، با انحصارطلبی و تعصب کور، آزادی را از مردم سلب می‌کنند و بانواع جنایات متوسل میشوند. بنا باخبر منتشره توسط جنبش مبارزه برضد ترور و برای آزادیهای دموکراتیک مردم عراق، که مرکزش در رم (ایتالیا) است، در همین هفته‌های اخیر نمونه‌های تکان دهنده‌ای از اعمال فشارها و ترورها روی داده، که نمیتواند خشم و نفرت همه آزادیخواهان و مخالف ضد امپریالیست جهان را بر نیانگیزد. مثلاً در کازمین، کنار دجله، جسد جواد الکرخی، که علائم شکنجه روی پیکرش مشاهده میشد، پیدا شده. وی در بصره دانشجو بود، ولی چون از همکاری با حزب بعث سر باز زد، به کازمین تبعید شده بود. کازمین جوده فرج دشتبان، به اتهام توهین به حزب بعث عراق، دستگیر و بچهار سال زندان محکوم شده است. در شهر یمنویه، باقر شناوه، کارمند دامپزشکی، توسط عمال سازمان امنیت عراق دستگیر شده و تاکنون از وی خبری نیست. همچنین رفیق سلام‌الناصری، یکی از اعضای کمیته مرکزی حزب کمونیست عراق و عضو هیئت تحریریه روزنامه طریق الشعب و رفیق محمدکریم فتح‌الله، عضو هیئت

از کمکهای رفقا و دوستان سپاسگزاریم

گروه مردم	۴۴۴	۵۰۰۰۰	ریال
شما	۲۲۴	۱۰۰۰	»
»	۲۱۹	۲۰۰۰	»
»	۲۲۲	۱۰۰۰	»
»	۲۱۸	۱۰۰۰	»
»	۲۲۰	۱۵۰۰	»
»	۲۱۷	۲۰۰۰	»
»	۲۱۹	۲۰۰۰	»
»	۶۳۷	۲۰۰۰	»
راه‌آهن	۱۲۷	۱۰۰۰	»
خانم الفک از زرش	۲۲۰۰۰	»	»
کارمندان ویرایش دانشگاه آزاد	۱۵۰۰۰	»	»
محبوب	۱۵۰۰۰	»	»

مردم ارگان مرکزی حزب توده ایران فلا هر هفته سه شماره، شنبه، دوشنبه و چهارشنبه منتشر می‌شود. نشانی: خیابان ۱۶ آذر، شماره ۶۸، تلفن: ۹۳۳۴۵۹ و ۹۳۵۷۲۸

## برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دموکراتیک ایران در جبهه متحد خلق